

# قابل انتشار (دوره ۱۴ شماره ۲۹ تابستان ۱۴۰۵) نشریه پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی

۱. مهرداد رایجیان اصلی (نویسنده مسئول)، استادیار، گروه حقوق پژوهش‌گده تحقیق و توسعه علوم انسانی (سمت)، تهران، ایران.

Email: rayejian@samt.ac.ir

۲. رضا رزم‌آور بناب، گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.

Email: rrazmavar@gmail.com

۳. اسمعیل رحیمی‌نژاد، دانشیار، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران.

Email: rahiminejad@tabrizu.ac.ir

۴. فاطمه گل‌ابی، استاد، گروه علوم اجتماعی، دانشکده حقوق و علوم اجتماعی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران.

Email: f.golabi@tabrizu.ac.ir

۵. فاطمه احدی، گروه آموزشی حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد مراغه، دانشگاه آزاد اسلامی، مراغه، ایران.

Email: fateme\_ahadi@iau-maraghaeh.ac.ir

## ضرورت استناد به هنجارهای فرهنگی در فرآیند کیفری، برپایه‌ی جرم‌شناسی فرهنگی

### چکیده

جرم‌شناسی فرهنگی؛ به عنوان رویکردی جدید، ریشه در جریان جرم‌شناسی انتقادی دارد. این جریان، تقریباً از دهه ۹۰ میلادی، نسج گرفته و افق‌های جدیدی را برای تحلیل و درک بهتر پدیده مجرمانه گشوده است. براساس آموزه‌های این جرم‌شناسی، جرم مفهومی برساخته و زاینده‌ی شرایط فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جوامع می‌باشد که در قالب مفهومی به نام جرم‌انگاری متولد می‌شود. بزهدکار نیز محصول همین شرایط می‌باشد که چنانچه خدمات فرهنگی و اجتماعی بهتری دریافت می‌کند، برچسب مجرمانه نمی‌خورد. یکی از مفاهیمی که در آموزه‌های جرم‌شناسی فرهنگی نمود بیشتری دارد، مفهوم دفاع فرهنگی است. به موجب آن، متهم می‌تواند در فرآیند کیفری و برای معافیت از مجازات، به هنجارهای فرهنگی و خرده‌فرهنگی خود استناد کند. براین اساس، ضرورت استناد به هنجارهای فرهنگی در فرآیند کیفری نیز باید توجیه‌پذیر باشد. این مقاله بر پایه روش توصیفی - تحلیلی و اسنادی، با بهره‌گیری از ابزار کتابخانه‌ای، یادداشت‌برداری، شرح و تفسیرهای نویسندگان تدوین شده است و در پی دستیابی به پارادایم‌های نظری و توجیهی ضرورت استناد به هنجارهای فرهنگی در کلیه مراحل فرآیند کیفری، از مرحله جرم‌انگاری تا تعیین و اجرای کیفر می‌باشد. به عبارت دیگر، به دنبال پاسخ به این سوال اساسی است که بر مبنای کدام چارچوب‌های نظری می‌توان ضرورت استناد به هنجارهای فرهنگی را در فرآیند کیفری ایران توجیه نمود؟ بر مبنای یافته‌های به دست آمده، استناد به هنجارهای فرهنگی هم در بخش تعزیرات و هم در حدود امکان‌پذیر است. براین اساس، این ضرورت، از منظر جامعه‌شناختی، جرم‌شناختی و حقوق کیفری توجیه‌پذیر بوده و می‌تواند منتهی به تخفیف یا تقلیل مجازات شود و به معنی نادیده گرفتن واقعیت پدیده مجرمانه و چشم‌پوشی از مجازات مرتکب نیست. بلکه هدف انطباق بیشتر مجازات با مقتضیات اجتماعی و فرهنگی می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: جرم‌شناسی فرهنگی، دفاع فرهنگی، ضرورت استناد، هنجارهای فرهنگی، فرآیند کیفری

جوامع معاصر، از نظر فرهنگی بسیار متنوع هستند. این تنوع می‌تواند نتیجه فرآیندهای تاریخی و اجتماعی مختلفی باشد که ممکن است بر کارایی سیستم‌های عدالت کیفری تأثیر بگذارد. اهمیت روزافزون فرهنگ در حقوق کیفری، متأثر از تحولات حقوق بشری (به ویژه در ارتباط با حقوق اقلیت‌ها) و نظریه‌های جامعه‌شناسی و جرم‌شناسی بوده است.<sup>۱</sup> جامعه ایران نیز از لحاظ فرهنگی، بسیار متکثر است. چرا که خرده‌فرهنگ‌های بسیار متفاوت و گاه متضادی در چهارگوشه آن یافت می‌شود. هر کدام از این خرده‌فرهنگ‌ها، آداب و رسوم و عرف مختص به خود را دارند که در برخی موارد در تقابل با هنجارهای رسمی جامعه می‌باشد.<sup>۲</sup> بنابراین، طبیعی است که هرکدام از آنها، مطالبات مختص به خود را داشته و خواستار به رسمیت شناخته شدن هنجارهای فرهنگی خود می‌باشند. براین مبنای سیاست‌گذاران جنایی، نباید به تکثر فرهنگی جامعه بی‌تفاوت باشند. در غیر این صورت با عدم مقبولیت عمومی مواجه خواهند شد.

برای آنکه قوانین در کشوری مورد احترام و عمل قرار گیرند، ضرورت دارد که با انتظارات عمومی هماهنگ باشد. بسیار اتفاق می‌افتد که انتظارات عمومی یک جامعه، با منطق و محتوای قوانین هماهنگی نداشته و گاه در تضاد است. با این وجود؛ اگر سیاست‌گذاران جنایی همچنان درصدد باشند که به هر قیمت، قواعد و قوانین را به مرحله اجرا درآورند؛ مردم اعتماد خود را نسبت به قوانین از دست می‌دهند و نارضایتی عمومی افزایش می‌یابد.<sup>۳</sup> ضرورت دارد؛ سیاست‌گذاران، عوامل فرهنگی و اجتماعی دخیل در مساله هنجارگذاری‌های قانونی را شناسایی و در ریل‌گذاری مسیر سیاست جنایی آنها را لحاظ نمایند.

قابلیت استناد به هنجارهای فرهنگی،<sup>۴</sup> از برخورد نظام جرم‌انگاری و هنجارهای اجتماعی شکل می‌گیرد. به این معنی که، چنانچه عملی جرم‌انگاری شده باشد و از سوی دیگر، ارتکاب این رفتار با هنجارهای فرهنگی گروهی خاص سازگار باشد،<sup>۵</sup> استناد متهم به باورهای فرهنگی در مراحل مختلف فرآیند کیفری، موجب شکل‌گیری مفهومی می‌گردد که از آن به قابلیت استناد به هنجارهای فرهنگی یاد می‌شود. در مقام تعریف؛ استناد متهم به مجموعه آداب و رسوم و عقاید قابل باور در یک گروه فرهنگی خاص که رویه قضایی آن را پذیرفته است،<sup>۶</sup> اطلاق می‌گردد. ضرورت این قابلیت در فرآیند کیفری، از منظر جامعه‌شناختی، حقوق کیفری و جرم‌شناختی قابل توجیه می‌نماید که در صورت تحقق آن، پویایی سیاست جنایی، کاهش جمعیت کیفری، مقابله با تورم کیفری و همچنین مقبولیت و مشروعیت بیشتر و بهتر قوانین کیفری را می‌تواند به دنبال داشته باشد.

1- Rigoni, Clara, *Crime, Diversity, Culture, and Cultural Defense*, Oxford University Press, 2018. <https://doi.org/10.1093/acrefore/9780190264079.013.409>

۲. به عنوان مثال؛ می‌توان به رسم موسوم به تیر شادی در برخی مراسمات (عروسی و...) در مناطق مرزی کشور اشاره کرد که به عنوان یک رفتار خرده فرهنگی نهادینه شده است. در حالی که طبق قوانین جاری و ساری کشور، نگهداری هرگونه سلاح و مهمات جنگی و استفاده از آن، جرم‌انگاری شده است. یا به عنوان مثال دیگر، از پدیده کولبری در مناطق غربی را می‌توان نام برد که تبدیل به عرف و هنجاری محلی شده است. در صورتی که ورود هرگونه کالا به کشور، از مبادی غیررسمی، قاچاق محسوب شده و ضمانت اجرای کیفری و غیره کیفری برای آن مقرر شده است.

۳. صانعی، پرویز، حقوق و اجتماع، انتشارات طرح‌نو، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۱، ص ۱۴۴

۴. هنجارهای فرهنگی، معیارهای رفتاری ثابتی هستند که یک گروه، به لحاظ فکری یا رفتاری، از افراد خود انتظار دارد یا آن را تأیید می‌کند. این انتظارات و رفتارهای حاصل از آن، غالباً از فرهنگی به فرهنگی دیگر تغییر می‌کند و صورتهای مختلفی پیدا می‌کند. از جمله آنها؛ ارزشها، آداب و رسوم، عرف و... می‌باشد. (کوبین، بروس، مبانی جامعه‌شناسی، ترجمه غلام‌عباس توسلی و رضا فاضل، انتشارات سمت، تهران، چاپ سوم، تهران، ۱۴۰۲، ص ۶۱). هنجارهای فرهنگی و غیررسمی گروه‌های مختلف، گاه نیز در تضاد با هنجارهای رسمی جامعه می‌باشد. همانند استفاده همه‌گیر از گیرنده‌های ماهواره‌ای با وجود منع قانونی.

۵. همچون پدیده‌ی قه‌زنی در ایام محرم، که با وجود ممنوعیت‌های قانونی و مذهبی، تبدیل به نوعی هنجار و عرف در نزد گروه‌های قلیلی از افراد شده که توجیهات و توصیه‌های مذهبیون نیز در این زمینه کارساز نبوده است.

۶. ر.ک: حسینی، سیدحسین، دانش ناری حمیدرضا، قابلیت استناد به هنجارهای فرهنگی در مرحله تعیین کیفر، مطالعات حقوق تطبیقی، دوره ۷، شماره ۲،

۱۳۹۵، صص ۵۴۹-۵۳۳

امروزه، تحت تاثیر آموزه‌های جرم‌شناسی فرهنگی<sup>۷</sup>، در برخی جوامع که اقلیت‌های فرهنگی و خرده‌فرهنگی گوناگونی را در خود جای داده است (همانند ایالات متحده، انگلستان و ولز) نهادی با عنوان دفاع فرهنگی<sup>۸</sup> مورد پذیرش قرار گرفته است که در مرحله صدور حکم و تعیین کیفر اثرگذار می‌باشد.<sup>۹</sup> اصطلاح دفاع فرهنگی، از ابتدای دهه ۱۹۸۰ میلادی ظهور و بروز یافته است که به موجب آن، متهم در جریان رسیدگی کیفری و برای معافیت از مجازات و یا تقلیل آن، می‌تواند به هنجارهای فرهنگی و خرده فرهنگ خاص خود استناد کند.<sup>۱۰</sup> مصداق بارز آن، قتل‌های فرهنگی یا قتل‌های به اصطلاح ناموسی می‌باشد که هنوز هم در میان برخی اقوام (به عنوان انجام تکلیف از جهت اعاده حیثیت)، جایگاه پررنگی دارد و مرتکبان همیشه به هنجارهای قومی و قبیله‌ای خود استناد کرده و مسوولیت عمل خود را با افتخار می‌پذیرند.<sup>۱۱</sup>

در برخی از کشورها، همچون اکثریت کشورهای اروپایی و آسیایی، دفاع فرهنگی به طور کامل نمی‌تواند در دادگاه و در مقام دفاع از متهم کارساز واقع شود. ولی، در این راستا، ساز و کاری اندیشیده شده است؛ اعم از پذیرش عذر تحریک ناشی از توهین به حیثیت و ارزش‌های فرهنگی متهم و یا قبول عروض ناگهانی حالت جنون به مرتکب در زمان وقوع جرایم برخاسته از فرهنگ است.<sup>۱۲</sup> امروزه قضات در اکثر کشورها، با وجود اصرار به پایبندی به قوانین کشور خود، خواستار در نظر گرفتن عدالت نسبت به متهمان متعلق به اقلیت‌های قومی و نژادی نیز می‌باشند. تحت تاثیر همین سیاست، گاهی اجازه می‌دهند تا پیش زمینه‌های فرهنگی مرتکبان در قضاوت آنها نقش داشته باشد. یعنی قضات در این موارد، درگیر دوگانگی قانون و لحاظ زمینه‌های فرهنگی مجرمان هستند.<sup>۱۳</sup> البته باید در نظر داشت که مطالعه و شناخت هنجارهای فرهنگی گروه‌های مختلف جامعه، مقوله پیچیده‌ای است که از حوزه تخصص قضات خارج است و لازم است که نظرات متخصصان رشته‌های دیگر نیز اخذ و سپس استناد به آن بر پایه قوانین موجود و لحاظ مقتضیات زمانی و مکانی، مورد پذیرش قرار گیرد.

۷. جرم‌شناسی فرهنگی، از زیرشاخه‌های جریان جرم‌شناسی انتقادی می‌باشد که از همان بدو پیدایش، سیاست جنایی کشورها را با چالش‌های جدی مواجه کرده است. جهت آشنایی بیشتر با جریان جرم‌شناسی انتقادی، مبانی جرم‌شناسی فرهنگی و چالش‌های سیاست جنایی ایران در مواجهه با آموزه‌های جرم‌شناسی فرهنگی؛ رک. رایجیان اصلی، مهرداد، رحیمی‌نژاد، اسمعیل، رزم‌آوریناب، رضا، سیاست‌گذاری جنایی تقنینی در آینه جرم‌شناسی فرهنگی، با رویکردی انتقادی به نمونه‌هایی از چالش‌های آن در ایران، پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی، دوره ۱۱، شماره ۲۱، ۱۴۰۲ و رایجیان اصلی، مهرداد، کلیات جرم‌شناسی، انتشارات نگاه معاصر، چاپ دوم، تهران، ۱۴۰۲، رایجیان اصلی، مهرداد، درآمدی بر جرم‌شناسی، انتشارات سمت، چاپ پنجم، تهران، ۱۴۰۳ و همچنین

Ilan, J. Cultural Criminology: The Time is Now. Crit Crim 27, 5–20 (2019). <https://doi.org/10.1007/s10612-019-09430-2>  
8- Cultural Defense

۹. از جمله می‌توان به این موارد اشاره کرد:

People v. Dong Lu Chen, No. 7774-87 (N.Y. Sup. Ct. 1989), People v. Moua, No. 315972-0 (Cal. Super. Ct. Feb. 17, 1985), People v. Kimura, No. A-091133 (Cal. Super. Ct. 1985). R v Bailey, 1964, R v Byfield, 1967, R v Shabir Hussain, Newcastle Crown Court, 28 July 1998 (transcript: J.L.Harpham Ltd); R v Shazad, Shakeela and Iftikhar Naz, Nottingham High Court, 24-25 May 1999 (transcript: Cater Walsh and Co.); R v Faqir Mohammed, Manchester Crown Court, 18 Feb 2002 (transcript: Cater Walsh and Co.) , R v Bibi [1980] 1 WLR 1193, R v Kiranjit Ahluwalia, unreported case, Lewes Crown Court, December 1989 (transcript: Hibbit and Sanders) See, Mobley, Lillian, American Kaleidoscope: An Intersectional Approach to the Cultural Defense, sity Chicago Law Journal Loyola University Chicago Law Journal 53, no 3, Spring 2022 & Dagistanli, Selda, In Defence of Culture? Racialised Sexual Violence and Agency in Legal and Judicial Narratives 4, no 3, October 2015. DOI: 10.5204/ijcjsd.v4i3.254, Phillips, Anne (2003) When culture means gender: issues of cultural defence in the English courts. Modern law review, 66 (4). pp. 510-531 DOI: <http://dx.doi.org/10.1111/1468-2230.6604002>

10- Torry, William, Multicultural jurisprudence and the culture defense, The Journal of Legal Pluralism and Unofficial Law 31, no44, (02 Dec 2013): 127-161. <https://doi.org/10.1080/07329113.1999.10756540>

۱۱. به عنوان مثالی دیگر؛ پس از شروع جنگ جهانی دوم، بسیاری از اروپاییان به آمریکا مهاجرت کردند و همراه خود، فرهنگ‌شان را نیز به آن جا منتقل کردند. در بین مهاجران ایتالیایی در آمریکا، رسمی وجود دارد به نام وندتا (Vandetta) که به معنی انتقام‌گیری و انجام تکلیف حیثیتی است که براساس آن، وظیفه تعقیب و پیگیری و انتقام به بازماندگان مجروح و مقتول منتقل می‌شود و آنها باید قاتل را بکشند. این عمل طبق فرهنگ گروه‌های ایتالیایی بهنجار تلقی می‌شود ولی در سایر فرهنگ‌ها جرم محسوب می‌شود. نجفی ابرنآبادی، علی‌حسین، تقریرات، ص ۳۰۸

۱۲. همانند بند پ ماده ۳۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ (اوضاع و احوال خاص و موثر در ارتکاب جرم و وجود انگیزه شرافتمندانه) و ماده ۶۳۰ بخش تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ (موضوع قتل در فراش)

۱۳. آقایی، سارا، تحلیل جرم در جرم‌شناسی فرهنگی، نشر میزان، چاپ اول، تهران، ۱۳۹۷، ص ۱۸۴

تحقیقات اندکی در خصوص قابلیت استناد به هنجارهای فرهنگی در فرآیند کیفری ایران انجام شده است. با این وجود؛ در تحقیقات انجام شده پیشین،<sup>۱۴</sup> قابلیت استناد به هنجارهای فرهنگی در مرحله تعیین کیفر (مطالعه تطبیقی) بررسی و همچنین به امکان سنجی استناد به هنجارهای فرهنگی در تخفیف یا تغییر مجازات مستوجب حد در فقه امامیه و فقه حنفی پرداخته شده است. تحقیق حاضر، با مبنا قراردادن آموزه‌های جرم‌شناسی فرهنگی به عنوان چارچوب نظری و با روش توصیفی - تحلیلی و اسنادی، در پی پاسخ به این پرسش اصلی است که با توجه به تنوع فرهنگی جامعه ایران، ضرورت استناد به هنجارهای فرهنگی در فرآیند کیفری را بر چه مبنایی می‌توان توجیه کرد؟ بر این اساس، ابتدا ضرورت استناد به هنجارهای فرهنگی از منظر جامعه‌شناختی، حقوق کیفری و جرم‌شناختی بررسی و در پایان، نتیجه‌گیری و پیشنهادات ارائه خواهد شد.

## ۱- ضرورت استناد از منظر جامعه‌شناختی

مطالعه جامعه‌شناسی به دلایل متعددی اهمیت دارد. با استفاده از ابزارهایی که جامعه‌شناسی در اختیار محققان قرار می‌دهد، می‌توان فرهنگ‌هایی را که قبلاً از آنها کم‌اطلاع و یا بی‌اطلاع بوده‌ایم، بهتر بشناسیم.<sup>۱۵</sup> در مقابل، علم حقوق به تنظیم قوانین فردی و اجتماعی در زمینه روابط مدنی، سیاسی و اجتماعی افراد می‌پردازد و حق و تکلیف متقابل اجتماعی افراد نسبت به هم و نسبت به قوانین حاکم بر روابط و افراد جامعه را به نظم درمی‌آورد. بسیاری از قوانین، قبل از آنکه به صورت مدون درآیند، جنبه عرفی و غیررسمی دارند<sup>۱۶</sup> و اجتماعات بشری تحت تاثیر شدید عرف، عادت و سنت‌هایی قرار دارند که به مرور زمان و در اثر تکرار، به صورت هنجارهای اجتماعی درآمده‌اند. مطالعه جامعه‌شناسی، تفاوت موجود میان قوانین رسمی و عرف و عادت را روشن می‌سازد و نشان می‌دهد که چگونه پاره‌ای از ارزش‌های جدید، با ارزش‌های قدیمی مغایرت پیدا می‌کند. از این رهگذر، جامعه‌شناسی می‌تواند با توجیه علل این تفاوت‌ها و تضادها، زمینه اجتماعی مساعدی را جهت تحولات آینده و پذیرش هنجارهای جدید و ارزش‌های جدید و همچنین قوانین رسمی فراهم آورد.<sup>۱۷</sup> به بیان دقیق‌تر، جامعه‌شناسی می‌تواند به مقنن در وضع مقررات جزایی مناسب و به مجریان قانون در کیفیت اجرای آن کمک کند و با دادن آگاهی ویژه جامعه‌شناختی، آنان را وادار می‌کند تا برای موفقیت بیشتر به هنگام وضع و اجرای قوانین، شرایط گوناگون جوامع مختلف و یا شرایط خاص هر مرحله را در نظر بگیرند.<sup>۱۸</sup> به بیان ساده‌تر؛ جامعه‌شناسی می‌تواند با مطالعه روابط اجتماعی، واکنش جامعه به سیستم عدالت کیفری را بسنجد و پیش‌بینی کند.

در جوامعی با تنوع فرهنگی گوناگون (همچون جامعه ایران)، ارتباط بین حقوق کیفری و جامعه‌شناسی نقش بسزایی در اثربخشی قوانین کیفری می‌تواند داشته باشد. چرا که استناد به هنجارهای فرهنگی در فرآیند کیفری، نیازمند شناخت پیش زمینه‌های جامعه‌شناختی آن می‌باشد. اعتقاد بر این است، عواملی همچون تکثرگرایی فرهنگی، حق متفاوت زیستن و لزوم تمرکززدایی از حوزه فرهنگ، ضرورت استناد به هنجارهای فرهنگی در سیاست جنایی را از منظر جامعه‌شناسی توجیه می‌کند.

۱۴. ر.ک: ۲- حسینی، سیدحسین و دانش‌ناری، حمیدرضا، قابلیت استناد به هنجارهای فرهنگی در مرحله تعیین کیفر، مطالعات حقوق تطبیقی، دوره ۷، شماره ۲، ۱۳۹۵ و معالی، مهدیه، علیشاهی قلعه‌جوق ابوالفضل، امکان سنجی استناد به هنجارهای فرهنگی در تخفیف یا تغییر مجازات‌های مستوجب حد، مطالعات تطبیقی فقه و اصول، دوره ۷، شماره ۱، ۱۴۰۳

۱۵. کوئن، بروس، مبانی جامعه‌شناسی، ترجمه محسن ثلاثی، انتشارات توتیا، چاپ بیست و نهم، تهران، ۱۴۰۲، ص ۱۶

۱۶. برخی از عناوین و عبارتهایی که در مواد قانونی وارد شده است، مفاهیم عرفی متغیری هستند که حتی خود قانونگذار نیز تعاریف روشنی از آنها ارائه نداده است و باید برای درک و فهم بهتر آنها به عرف مراجعه کرد. شناخت بهتر و عمیق‌تر عرف جامعه نیز بدون بهره‌گیری از چارچوب‌های مطالعاتی جامعه‌شناختی امکان‌پذیر نمی‌باشد. از جمله این مفاهیم، می‌توان به عرض و ناموس و مفاهیم مشابه دیگر اشاره کرد.

۱۷. وثوقی، منوچهر، نیک‌خلق، علی‌اکبر، مبانی جامعه‌شناسی، انتشارات بهینه، چاپ هفدهم، تهران، ۱۳۹۵، ص ۶۹

۱۸. شامبیاتی، هوشنگ، حقوق جزای عمومی، ج ۱، انتشارات مجد، چاپ شانزدهم، تهران، ۱۴۰۱، ص ۱۰۲

## ۱-۱ - تکثرگرایی فرهنگی<sup>۱۹</sup>

تکثرگرایی فرهنگی، مبتنی بر صیانت از نظام‌های فرهنگی متفاوت است و برتری فرهنگی را نمی‌پذیرد و در حالی قابل تصور است که هر گروه، دارای مذهب، عقاید، رسوم، نگرش‌ها و شیوه‌های عمومی زندگی متمایزی بوده، اما در عین حال، مشترکات دیگری نیز با سایر گروه‌ها داشته باشد.<sup>۲۰</sup> به عبارت دیگر، تکثرگرایی فرهنگی، سیاستی است با هدف تضمین تعامل و هماهنگی بین مردم و گروه‌هایی با هویت‌های فرهنگی متعدد، متنوع و پویا و همچنین تمایل آنها برای زندگی مشترک. آموزش‌های دین مبین اسلام، اساس خلقت انسان را بر مبنای تنوع و تکثر بیان نموده است.<sup>۲۱</sup> براساس برخی اسناد بین‌المللی،<sup>۲۲</sup> تنوع فرهنگی، یکی از زیربناهای توسعه به شمار می‌رود و دفاع از آن یک واجب اخلاقی است. براین اساس، تنوع فرهنگی نه تنها زمینه‌ساز رشد اقتصادی محسوب می‌گردد، بلکه به عنوان عاملی جهت دستیابی به یک زندگی رضایت‌بخش در نظر گرفته می‌شود و باید به عنوان یک فرصت نگریسته شود نه یک تهدید. دفاع از موجودیت تنوع فرهنگی، نشانگر تعهد به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی (به ویژه حقوق اقلیت‌ها و حقوق مردم بومی) می‌باشد. هیچ فردی حق ندارد از آن به عنوان ابزاری بر ضد حقوق بشر سوءاستفاده و یا دامنه آن و کاربرد آن را تحدید نماید. بنابراین، همه افراد حق دارند؛ نظرات و ایده‌های خود را بیان و ابراز نمایند و از نظام آموزشی که به هویت فرهنگی آنها احترام بگذارد، بهره‌مند شده و بتوانند اعمال فرهنگی خود را بدون اعمال محدودیت، اجرا کنند. همه فرهنگ‌ها، باید فرصت ابراز وجود و شناساندن ویژگی‌های خود را پیدا نمایند و دولت‌ها نیز به موجب تعهدات خود، نسبت به تدوین و تعریف سیاست فرهنگی متناسب و حمایتی اقدام نمایند. پذیرش دفاع فرهنگی بر مبنای تکثرگرایی فرهنگی، به معنی انکار واقعیت پدیده مجرمانه نیست. بلکه می‌تواند با لحاظ مقتضیات زمانی و مکانی و در چارچوب مجموعه قوانین، انطباق کیفر با وضعیت اجتماعی و فرهنگی مرتکب را به دنبال داشته باشد.

## ۱-۲ - فرآیند جهانی‌شدن

تعاریف گوناگونی از جهانی‌شدن وجود دارد. در تصور رایج، این اصطلاح عموماً برای توصیف تحولات عمیق اقتصادی و تکنولوژیکی بکار می‌رود. به عقیده آنتونی گیدنز؛<sup>۲۳</sup> جهانی‌شدن فرآیندی است که در طی آن، روابط بین چارچوب‌های اجتماعی یا مناطق مختلف جهان به هم پیوند می‌خورد. بنابراین، می‌تواند به عنوان تشدید روابط اجتماعی در سراسر جهان، که مناطق دور را به هم پیوند می‌دهد، تعریف شود. آن گونه که اتفاقات محلی، بوسیله حوادثی که کیلومترها دورتر از آن حادث می‌شود، شکل می‌گیرد.<sup>۲۴</sup>

فرآیندهای فراملی، چالش‌های نظری بسیاری را در سطح جوامع ملی به وجود آورده است. این چالش‌ها از این واقعیت سرچشمه می‌گیرد که هر پدیده‌ی جهانی، از یک سو از چارچوب انحصاری کشورها فراتر رفته و از سوی دیگر، در درون مرزهای ملی جای می‌گیرد. با این نگرش، جهانی‌شدن از مفهوم عمومی افزایش وابستگی متقابل کشورها به یکدیگر و تشکیل نهادهای جهانی فراتر می‌رود.<sup>۲۵</sup> به تعبیری، امروزه هیچ جامعه‌ای ممکن نیست جدا از بقیه جهان زندگی کند و در کره زمین کمتر جایی

19- Cultural Pluralism

۲۰. رضاپور قوشچی، محمد، نادری، محمود، جهانی‌شدن و تکثرگرایی قومی در ایران، فصلنامه مطالعات راهبردی جهان، شماره ۱۷، سال ۱۳۹۳

۲۱. آیه ۱۳، سوره حجرات

22- UNESCO Universal Declaration on Cultural Diversity (fa.irunesco.org)

23- Antony Giddens

۲۴. فرانکو آس، کاتجا، جهانی‌شدن و جرم، انتشارات علمی، چاپ اول، تهران، ۱۳۹۱، ص ۳۲

۲۵. ساسن، ساسکیا، جامعه‌شناسی جهانی‌شدن، ترجمه مسعود کرباسیان، نشر چشمه، چاپ اول، تهران، ۱۳۹۰، ص ۱۱

وجود دارد یا شاید اصلاً جایی وجود ندارد که آن قدر جدا افتاده باشد که از رادیو، تلویزیون، اینترنت و... عاری باشد. بنابراین، می‌شود گفت که نقشه فرهنگی دنیا تغییر کرده<sup>۲۶</sup> که این امر، بیش از هر موقع دیگر، زندگی کنونی را شکل داده و بر درک ما از جامعه، هویت و فرهنگ تاثیر گذاشته است.

جهانی شدن در دو بعد در حال تحقق است. بعد مادی (جهانی شدن اقتصاد) و بعد معنوی (جهانی شدن فرهنگ و حقوق بشر). تحقق جهانی شدن در بعد مادی نسبت به بعد معنوی راه سهل تری را در پیش دارد. دلیل این تفاوت سرعت، به تفاوت در پذیرش این پدیده توسط دولت‌ها برمی‌گردد. به عبارتی دیگر، جهانی شدن اقتصاد و سرمایه‌گذاری، انتقال تکنولوژی، بازرگانی و... کمتر با موانع و مقاومت داخلی دولت‌ها روبرو می‌شود. زیرا این امور جنبه مادی دارد و حساسیت کمتری را برمی‌انگیزد. در مقابل، جهانی شدن معنوی (فرهنگی) با مقاومت و ایستادگی دولت‌ها به ویژه دولت‌های ایدئولوژیک همراه است که این موضوع، برخوردهای چندگانه‌ای با این پدیده را به دنبال دارند.<sup>۲۷</sup> بنابراین، یکی از چالش‌برانگیزترین موضوعات، جهانی شدن فرهنگ است. گرایش در حوزه جهانی شدن این است که فرهنگ به عنوان نوعی پدیده تلقی می‌شود که از محدوده‌ی قلمروها گذر کرده و به فراسوی مرزها رسیده و جهانی شده است و به نوعی از مقوله فرهنگ قلمروزدایی شده است.<sup>۲۸</sup> بسیاری معتقدند که رشد سریع اینترنت در سراسر جهان، گسترش فرهنگ جهانی را سرعت بخشیده است و آمیزه‌ای از فرهنگ اروپا و امریکای شمالی به خانه بیش از نیمی از کاربران در جهان راه یافته<sup>۲۹</sup> و چالش‌های اجتماعی و فرهنگی را موجب شده است.<sup>۳۰</sup>

مفاهیمی مانند برابری حقوق زن و مرد، آزادی بیان و عقیده، مخالفت با مجازات اعدام، مشارکت دموکراتیک در فرآیند سیاسی، حق اعتصاب، تشکیل سندیکاها، صنفی و... به عنوان هنجارهای جهانی و ارزش‌های مشترک بشری اشاعه یافته و سیاست جنایی کشورها را تحت تاثیر قرار داده است که ایران نیز از این قاعده مستثنی نمی‌باشد. بنابراین، خواه، ناخواه، ارزش‌های فرهنگ جهانی، در جامعه ما نیز تاثیرگذار بوده و متولیان سیاست‌گذاری جنایی نمی‌توانند به آن بی‌تفاوت باشند<sup>۳۱</sup> به این دلیل که این هنجارهای مشترک، به عنوان میراث فرهنگی بشری، در اسناد بین‌المللی نیز انعکاس یافته و ایران نیز بخشی از آنها را امضاء کرده است.<sup>۳۲</sup> بر این اساس، تمام افراد از لحاظ حیثیت و حقوق با هم برابرند<sup>۳۳</sup> و می‌توانند بدون هیچ‌گونه تمایز، از حقوق و آزادی‌های مقرر جهانی برخوردار شوند.<sup>۳۴</sup> هر کس حق دارد که شخصیت حقوقی او در مقابل قانون به رسمیت

۲۶- گیدنز، آنتونی، ساتن، فلیپ، جامعه‌شناسی، جلد اول، نشرنی، چاپ هفتم، تهران، ۱۳۹۷، ص ۱۹۸

۲۷- به عنوان مثال، برخی کشورها مانند چین، در جهانی شدن اقتصاد مشارکت دارند، اما در جهانی شدن فرهنگ، بسته عمل می‌کنند. رک: نجفی ابرندآبادی، علی حسین، پیشین، صص ۱۹۸۵-۱۹۷۰

۲۸- جونز، اندرو، نظریه پردازان بزرگ جهانی شدن، ترجمه مسعود کرباسیان، نشر چشمه، چاپ اول، تهران، ۱۳۹۱، ص ۲۵۸

۲۹- گیدنز، آنتونی، پیشین، ص ۱۹۸

۳۰- به عنوان مثال؛ نگهداری حیوان خانگی، به عنوان سبک خاصی از زندگی و رفتار خرده‌فرهنگی (متاثر از فرهنگی غربی)، رواج گسترده‌ای یافته و معضلات اجتماعی و فرهنگی زیادی را در جامعه سبب شده است. علیرغم خلاء قانونی در این زمینه، برخی از دادستانها به این موضوع ورود کرده‌اند که باعث ایجاد رویه‌های مختلفی نیز شده است. [khabaronline.ir/news/2073929](http://khabaronline.ir/news/2073929)

۳۱- برخی از پرخش‌های سیاست جنایی ایران را می‌توان در این راستا ارزیابی کرد. از جمله؛ برابری دپه زن و مرد (در غیر موارد قتل)، اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر جهت کاهش مجازات اعدام مجرمان مواد مخدر و موضع قانون‌گذار در قبال مجازات سنگسار را می‌توان ذکر کرد که متاثر از همین ارزش‌های مشترک جهانی بوده است.

۳۲- قانون اجازه الحاق دولت ایران به میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی- اجتماعی و فرهنگی مصوب ۱۳۵۴، ۲، ۱۷. [rc.majlis.ir](http://rc.majlis.ir) و از جمله، اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق بین‌المللی حقوق اجتماعی، فرهنگی، مدنی، سیاسی و اقتصادی، کنوانسیون بین‌المللی، رفع هرگونه تبعیض نژادی، کنوانسیون منع شکنجه و سایر رفتارها و مجازات‌های ظالمانه، کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان، کنوانسیون حقوق کودک و...

۳۳- ماده ۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر

۳۴- ماده ۲ اعلامیه جهانی حقوق بشر

شناخته شود<sup>۳۵</sup> و تا زمانی که در جریان یک دعوی عمومی، قانوناً تقصیر او محرز نگردد، بی‌گناه تلقی می‌گردد.<sup>۳۶</sup> دولتها متعهد هستند که تساوی حقوق زنان و مردان را در برخورداری از کلیه حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تامین نمایند.<sup>۳۷</sup> پدیده جهانی شدن، به دنبال خود، باعث شکل‌گیری رفتارهای خرده فرهنگی شده است که در تضاد شدید با هنجارهای رسمی جامعه می‌باشند ولی با توجه به برخورداری از پشتوانه‌های فرهنگ جهانی، چالش‌هایی را برای جوامع سنتی پدیدار کرده است.<sup>۳۸</sup>

### ۳-۱- تمرکززدایی از حوزه مدیریت فرهنگی

هر جامعه‌ای فرهنگی دارد که توسط نهادهای رسمی و غیررسمی، از نسلی به نسل دیگر منتقل شده است و نهادهای دینی، زبانی، ارزشها، قوانین، سنت، علوم و صنایع را دربر می‌گیرد. بنابراین، هر جا که جامعه‌ای هست، فرهنگ متعلق به آن نیز وجود دارد. فرهنگ جدا از جامعه و جامعه جدا از فرهنگ قابل تصور نیست.<sup>۳۹</sup> امروزه، مقوله فرهنگ و ابزارهای فرهنگی، چنان زندگی جوامع را احاطه کرده است که دیگر نمی‌توان تأثیرات پررنگ و مستقیم عوامل فرهنگی را در رخداد جرایم نادیده گرفت.<sup>۴۰</sup>

در حوزه مدیریت فرهنگی دو دیدگاه مطرح می‌باشد. از نظر گروهی، فرهنگ به دلیل ماهیت و معنویتش برنامه‌پذیر نیست. در این دیدگاه، فرهنگ امری درونی و معنوی و اخلاقی پنداشته می‌شود که قابل برنامه‌ریزی نیست. در مقابل، عده دیگری معتقدند که برای استفاده بهینه از ابزارها و منابع فرهنگی و ساماندهی مسیر فعالیت‌ها، سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی فرهنگی غیرقابل انکار است. اصولاً برای برنامه‌ریزی فرهنگی، مدل ریاضی ویژه‌ای وجود ندارد و هرگونه شبیه‌سازی در این خصوص نیز با مشکل مواجه خواهد شد. چرا که در تعریف مفهوم فرهنگ اتفاق نظر وجود ندارد و شناخت کافی از نقش فرهنگ در توسعه جوامع نیز در دست نمی‌باشد. علاوه بر آن، آمیختگی فرهنگ با سایر مقولات اجتماعی، سیاسی و اقتصادی، پیچیدگی مدیریت فرهنگی را دوچندان می‌کند.<sup>۴۱</sup>

مداخلات دولت در حوزه فرهنگ، با الگوی قیوم‌مآبی قانونی<sup>۴۲</sup> منطبق است.<sup>۴۳</sup> گواه آن نیز مداخلات کیفری در حوزه‌های گوناگون از حوزه فیلم و موسیقی گرفته تا حوزه نشر و مد و لباس می‌باشد<sup>۴۴</sup> که در بیشتر آنها، اصولاً ضرورتی به مداخله دولت‌ها وجود ندارد. با توجه به ماهیت مقولات فرهنگی که با مقبولیت اقشار جامعه نیز سروکار دارد، بهتر است از حوزه فرهنگ تمرکززدایی شود. به این نحو که مدیریت فرهنگ به خود مردم و سازمان‌های مردم‌نهاد و تشکل‌های صنفی واگذار شود. و

۳۵- ماده ۱۶ اعلامیه جهانی حقوق بشر

۳۶- ماده ۱۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر

۳۷- ماده ۳ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی

۳۸- از جمله می‌توان به ازدواج افراد همجنس اشاره کرد که در برخی کشورهای غربی (حتی علیرغم مخالفت‌های شدید نهادهای مذهبی آن جوامع نیز)، رسمیت یافته و قانونی شده است. چالش‌های مربوط به گروه‌های اقلیت‌های جنسی و جنسیتی (LGBT) هم از آن جمله می‌باشند.

۳۹- کوئن، بروس، پیشین، ص ۵۹

۴۰- آقای، سارا، پیشین، ص ۱۴

۴۱- ر.ک درآمدی بر برنامه‌ریزی راهبردی توسعه فرهنگی، دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی، نشر امید مجد، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۹

42- Legal Paternalism

۴۳- براساس این اصل، افراد جامعه، برای اینکه در اثر تصمیمات و انتخاب‌های نادرست خود آسیب نبینند، نیاز به مداخله یا حمایت قیوم‌مآبانه حکومت دارند. (ر.ک: زینالی، امیرحوزه، مبانی مداخله حقوق کیفری در حوزه فرهنگ و چالش‌های فراروی آن، مجموعه مقالات علوم جنایی، میزان، چاپ دوم، تهران، ۱۳۹۲)

۴۴- از جمله می‌توان به مصوبه مورخ ۱۴۰۲/۱۲/۱۲ شورای عالی انقلاب فرهنگی در خصوص سند ملی موسیقی و مصوبه مورخ ۱۴۰۳/۳/۸ همان شورا با عنوان سند ملی سبک پوشش اسلامی اشاره کرد. هر دو سند قابل دسترسی در: rc.majlis.ir

دولت نقش بی‌طرف را داشته باشد. اصولاً در حوزه مدیریت فرهنگ، دولت‌ها کارفرمایان فرهنگی خوبی نیستند و در امور فرهنگی جامعه، برخلاف خواست عمومی مداخله کرده‌اند، نتیجه عکس حاصل شده است. به عنوان مثال؛ پهلوی اول، قانونی را در تاریخ ۱۷ دی ۱۳۱۴ تصویب کرد که به موجب آن، استفاده از حجاب در مراکز آموزشی و دولتی منع شد. این قانون چون برخلاف هنجارهای مورد قبول عامه مردم در جامعه به شدت سنتی - مذهبی آن زمان بود، در حقیقت به نوعی شنا کردن برخلاف مسیر رودخانه محسوب می‌شد که به مقصد نهایی نرسید و در سال ۱۳۲۰ که رضاشاه ایران را ترک کرد، قانون کشف حجاب نیز به بوته فراموشی سپرده شد. در حال حاضر نیز عکس این قضیه مصداق دارد. یعنی با مداخله حقوق کیفری، نمی‌توان مردم را وادار به رعایت نوع حجاب رسمی کرد. چرا که در عمق باور عده‌ای (صرف نظر از ضروریات شرعی موضوع)، این عقیده رسوخ کرده که حجاب می‌تواند اختیاری باشد و تغییر این باور با ابزارگرایی کیفری میسر نمی‌باشد. بنابراین، مدیریت فرهنگی جامعه، با مبنا قرار دادن اصل حداقل بودن حقوق جزا، باید فضای مساعدی برای خرده‌فرهنگ‌ها و فرهنگ‌های غیر رسمی ایجاد کند و تا حد امکان، از توسل به ابزارهای کیفری جهت تحمیل قواعد هنجاری به جامعه خودداری نماید.

## ۲- ضرورت استناد از منظر حقوق کیفری

مستفاد از مواد قانون مجازات اسلامی، چنین برداشت می‌گردد که قابلیت استناد به هنجارهای فرهنگی در بخش تعزیرات، به استناد ماده ۳۸ و ۱۸ قانون مذکور امکان‌پذیر می‌باشد. ماده ۱۸ قانون مذکور مقرر می‌دارد؛ ...دادگاه در صدور حکم تعزیری، موارد زیر را مورد توجه قرار می‌دهد؛ الف: انگیزه مرتکب و وضعیت ذهنی و روانی وی حین ارتکاب جرم... ت: سوابق فردی، خانوادگی و اجتماعی مرتکب و تاثیر تعزیر بروی. در ماده ۳۸ نیز اوضاع و احوال خاص متهم در ارتکاب جرم و وجود انگیزه شرافتمندانه، از جهات تخفیف مجازات قلمداد شده است. بنابراین، با استناد متهم به هنجارهای فرهنگی و خرده‌فرهنگی خود، ابزارهایی در قانون پیش‌بینی شده است که می‌توان به آنها تمسک جست<sup>۴۵</sup> که منجر به معافیت کلی از کیفر، تخفیف، تغییر و یا تبدیل کیفر مرتکب می‌گردد. علاوه بر موارد مذکور، قانونگذار، در ماده ۶۳۰ قانون مجازات اسلامی، بخش تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ (در موضوع قتل در فراش)، به نوعی استناد به هنجارهای فرهنگی را به رسمیت شناخته است.

در حدود نیز (با وجود ثابت بودن میزان مجازات‌ها)، می‌توان قابلیت استناد به هنجارهای فرهنگی را توجیه نمود.<sup>۴۶</sup> به موجب ماده ۲۱۷ قانون مجازات اسلامی؛ در جرایم موجب حد، علاوه بر داشتن علم، قصد و شرایط مسوولیت کیفری، مرتکب باید به حرمت شرعی رفتار ارتكابی نیز آگاه باشد تا مسوولیت کیفری احراز شود. همچنین، بر مبنای قاعده درء (مواد ۱۲۰ و ۱۲۱ قانون مجازات اسلامی)، در موارد حدوث شبهه، جرم ثابت نمی‌شود و حد ساقط می‌گردد. بنابراین، با استناد متهم به هنجارهای فرهنگی و به دنبال آن حدوث شبهه، وقوع جرم و به تبع آن مجازات نیز منتفی می‌شود.

به طور کلی، با لحاظ جنبه اخلاقی موضوع و به منظور تحقق دادرسی عادلانه و منصفانه، بر مبنای حق طبیعی انسانها و به جهت مقابله با تورم جمعیت کیفری، استناد به هنجارهای فرهنگی در فرآیند کیفری، در این دیدگاه قابل توجیه می‌نماید.

## ۲-۱- تحقق دادرسی عادلانه از گذر استنادپذیری فرهنگی

۴۵ - از جمله، تعویق صدور حکم، تعلیق اجرای مجازات، نظام نیمه آزادی، آزادی مشروط، نظارت تحت سامانه‌های الکترونیکی، ترک تعقیب، مجازات‌های جایگزین حبس، اقدامات تأمینی و تربیتی و...،

۴۶ - برای مطالعه نظر مخالف؛ ر.ک: حسینی، سید حسین و دانش ناری، حمیدرضا، قابلیت استناد به هنجارهای فرهنگی در مرحله تعیین کیفر، مطالعات حقوق تطبیقی، دوره ۷، شماره ۲،

تحقق جهانی که عدالت در آن حاکم باشد، خواست و در عین حال تکلیفی است که جمله‌ی انسان‌ها از هر فرهنگ و زمانه‌ای بر آن اتفاق نظر دارند. از این‌رو، عدالت مطلوب‌ترین پیش‌رانه‌ی عصر حاضر محسوب می‌شود که تحقق و استقرار آن، خواست همیشگی انسان در تمامی فرهنگ‌ها و ادوار مختلف تاریخی بوده است. عدالت مفهومی است که پیدایش درک نسبت‌گرایی حقوقی - فرهنگی را سبب می‌شود و در یافتن تعریفی یگانه از آن، که ورای دوره‌ی تاریخی و فرهنگی باشد، ایجاد تردید می‌کند. بنابراین، برای تصمیم‌گیری‌های موثر حقوقی، باید روش روشنی وجود داشته باشد که برپایه اصول عدالت بنا شود. اصولی که میراث بشری‌اند و به تمام فرهنگ‌ها تعلق دارند.<sup>۴۷</sup> این اصول در بسیاری از اسناد بین‌المللی<sup>۴۸</sup> تبیین شده و سپس به قوانین داخلی کشورها نیز راه یافته و مورد احترام واقع شده است. از جمله این اصول اساسی، حق دادرسی عادلانه و منصفانه می‌باشد. متأسفانه، علی‌رغم اهمیت و جایگاه دادرسی عادلانه، نه در قوانین و مقررات بین‌المللی و نه در قوانین اساسی و داخلی کشورها، تعریف روشنی از آن ذکر نشده و صرفاً به بیان معیارهای آن پرداخته شده است.<sup>۴۹</sup>

دادرسی عادلانه الزاماتی هم دارد که باید در کلیه مراحل فرآیند کیفری جاری و ساری باشد. از جمله آنها؛ فرض بی‌گناهی، حق دسترسی به وکیل، حق دسترسی به محاکم و... می‌باشد. به تعبیری، حق بهره‌مندی از محاکمه عادلانه را می‌توان به عنوان ترکیبی از حق دادخواهی و حق دفاعی مطرح کرد. بدین معنی که؛ هم شهروندی که مورد تعدی و تجاوز قرار گرفته و هم شهروندی که در معرض اتهام قرار دارد، بتوانند در دادگاه مستقل و بی‌طرف حاضر و آزادانه از خود دفاع کنند و برای این دفاع، نباید محدودیت خاصی وجود داشته باشد. اگر دلایل کافی و منطقی بر توجه اتهام وجود داشته باشد؛ به طوری که برای دادرسان اقناع وجدانی به وجود آورد، باید تنها مجازات از پیش تعیین شده در قانون مورد حکم قرار گرفته و با رعایت حیثیت و کرامات انسانی اجرا شود.<sup>۵۰</sup> بنابراین، برای دستیابی به این امر، باید هنجارهای گروه‌های خرده فرهنگی مورد توجه قرار گیرد و استناد به این هنجارها در مراحل قانون‌گذاری، رسیدگی و اجرای حکم به عنوان یک حق اساسی مورد پذیرش قرار گرفته و به رسمیت شناخته شود. در این راستا، نهاد هیات منصفه (به خصوص در جرایم بدون بزه‌دیده)، نقش اساسی در شناخت هنجارهای فرهنگی می‌تواند ایفا کند.

نهاد هیات منصفه، برای اولین بار در اصل ۷۹ متمم قانون اساسی مشروطه<sup>۵۱</sup> مصوب ۲۴ ذی‌القعدة الحرام ۱۳۲۴ قمری، وارد نظام عدالت کیفری ایران گردید و پس از پیروزی انقلاب، در اصل ۱۶۸ قانون اساسی مورد پذیرش قرار گرفت. فلسفه تاسیس هیات منصفه در حقیقت بازتاب دهنده‌ی حضور افکار عمومی و هنجارهای غیررسمی در محاکم و قضاوت‌های دادگاه‌ها است. به عبارت دیگر، اعضای هیات منصفه، صدای مردم جامعه را به گوش دستگاه قضایی می‌رسانند. در حقیقت، هیات منصفه بدین منظور شکل گرفت تا تبلور عملی قدرت قضایی مردمی و عامیانه باشد.<sup>۵۲</sup> بنابراین بهتر ترجمان گروه‌های خرده فرهنگی در فرآیند کیفری می‌تواند تلقی شوند تا مسیر استناد به هنجارهای فرهنگی در رسیدگی کیفری هموار شود.

۴۷- هوفه، اتفرید، درباره‌ی عدالت، ترجمه امیر طبری، نشر اختران، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۳، صص ۹ و ۴۴

۴۸- از جمله: اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸)، میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی (۱۹۶۶)، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (۱۹۶۶)، کنوانسیون بین‌المللی رفع هرگونه تبعیض نژادی (۱۹۶۵)، کنوانسیون منع شکنجه و سایر رفتارهای ظالمانه، غیر انسانی و تحقیر آمیز (۱۹۸۴)، کنوانسیون محو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان (۱۹۷۹)، کنوانسیون حقوق کودک (۱۹۸۹)، اعلامیه قاهره (در مورد حقوق بشر در اسلام، ۱۹۹۰) و...

۴۹- در حقوق ایالات متحده آمریکا، دادرسی عادلانه و منصفانه این‌گونه تعریف شده است: دادرسی عادلانه یک دادرسی عادی و معمولی است که در یک فضای آرام و در برابر قاضی و هیات منصفه بی‌طرف که تنها هدف و نفع آن اجرای صحیح و درست قانون است، برگزار گردد. اساس و پایه دادرسی عادلانه این است که هیچ نفوذ و عامل خارجی روی قاضی و هیات منصفه اثر نگذارد. رحیمی‌نژاد، اسمعیل، پیشین، ص ۲۱۸

۵۰- آخوندی، محمود، آیین دادرسی کیفری، جلد چهارم، انتشارات اشراق، چاپ اول، قم، ۱۳۷۹، ص ۳۱۱

۵۱- اصل هفتاد و نهم متمم قانون اساسی مشروطه: در موارد تقصیرات سیاسی و مطبوعات هیئت منصفین در محاکم حاضر خواهند بود. [rc.majlis.ir](http://rc.majlis.ir)

۵۲- ر.ک: نورمحمد، صبری، هیات منصفه، انتشارات میزان، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۴

## ۲-۲- مقابله با تورم قوانین و جمعیت کیفری

یکی از مشکلاتی که امروزه سیستم‌های مختلف حقوقی را با بحران مواجه کرده است، بحث تورم غیر قابل کنترل قوانین کیفری است. منظور از تورم کیفری، تصویب بدون ضرورت مقررات کیفری و قطور نمودن بی‌رویه‌ی مجموعه قوانین جزایی با جرم‌انگاری‌های جدید می‌باشد.

ریموند گسن،<sup>۵۳</sup> تورم کیفری را خطری برای جامعه دانسته است. این خطر از آنجا ناشی می‌شود که هر قانون کیفری، بدون تردید، تحدید کننده‌ی آزادی است و محدود شدن آزادی، با افزایش قدرت دولت همراه است. به بیانی دیگر، اگر مقررات کیفری با حقوق فطری و طبیعی فرد در تضاد باشد، همواره به زیان مردم خواهد بود. زیرا مردم مجبورند محدودیت‌هایی را پذیرا شوند، یا با آن مقابله کنند که پذیرا شدن، موجب از دست دادن آزادی و مقابله با آن، موجب تحمیل مجازات‌ها می‌شود.

اصولاً، اگر در بدو امر، نظرها به تدوین و وضع قوانین کیفری جلب شود، نتیجه‌ای جز تورم قوانین کیفری،<sup>۵۴</sup> افزایش جمعیت کیفری،<sup>۵۵</sup> ایجاد هزینه‌های سنگین برای اجتماع، به خشونت واداشتن مردم، گسترش بی‌عدالتی، در بر نخواهد داشت.<sup>۵۶</sup> همچنین باعث نزول جایگاه قانون و در نهایت به انومی<sup>۵۷</sup> منجر خواهد شد و با لطمه زدن به آزادی‌های اساسی، ترس غیرعادی، تحقیر و بی‌اعتنایی را در شهروندان برخواهد انگیخت. تورم کیفری، که اطلاع دادرسی را نیز به دنبال دارد، اثر اربابی و اصلاحی مجازات‌ها را نیز از بین خواهد برد و تحمیل تورم جمعیت کیفری به سیستم، باعث خواهد شد که مجازات زندان ویژگی بازدارندگی خود را از دست داده و به محلی برای تبادل افکار مجرمانه تبدیل شود.<sup>۵۸</sup>

تورم کیفری باعث انسداد نهادهای کیفری می‌گردد که در طی چهار مرحله قابل تصور می‌باشد:

الف: در مرحله تحقیقات پلیس (ضابطین)؛ بدین معنی که همزمان با افزایش و رشد جرایم و طولیل شدن سیاهه جرایم، امکانات و پرسنل پلیس (ضابطین) افزایش لازم را پیدا نکرده و روز به روز از کارایی این مرجع کاسته می‌شود.

ب: در مرحله تعقیب؛ در این مرحله پرونده‌های ارجاعی به دادسرا افزایش پیدا می‌کند که انتخابی شدن رسیدگی، توسل به بایگانی کردن پرونده‌ها و... را در پی خواهد داشت.

ج: در مرحله صدور حکم؛ تعداد پرونده‌ها افزایش یافته و در برابر آن پرسنل به همان میزان رشد نکرده است. همین امر سبب طولانی شدن فرآیند رسیدگی گردیده است. در نتیجه زندانیان زمان بیشتری را باید در انتظار رسیدگی و صدور حکم سپری کنند. همین امر یکی از دلایل تورم جمعیت کیفری خواهد بود.

د: در مرحله اجرای حکم؛ به دنبال تراکم در مرحله پلیسی، تعقیب، رسیدگی و صدور حکم، تراکم اجرای احکام پیش خواهد

آمد.<sup>۵۹</sup>

53 - Raymond Gessin

۵۴ - در حال حاضر، در قوانین کیفری ایران، با تورم قوانین مواجه می‌باشم. اگر غیر از این بود، منجر به تدوین لایحه قضازدایی و حذف برخی عناوین مجرمانه از قوانین؛ نمی‌شد. [rc.majlis.ir/fa/report/show/1832474](http://rc.majlis.ir/fa/report/show/1832474)

۵۵ - رئیس سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور، با اعلام اینکه جمعیت کیفری ما نسبت به کل جمعیت کشور عدد بالایی است، افزود: در جمهوری اسلامی ایران، ما بالاتر از حد میانگین جهانی، زندانی در زندان‌های کشور داریم. [khabaronline.ir/news/1645866](http://khabaronline.ir/news/1645866)

۵۶- حبیب‌زاده، محمدجعفر، نجفی‌ابرنادادی، علی‌حسین، کلاتری، کیومرث، تورم کیفری، عوامل و پیامدها، نشریه مدرس، دوره ۵، شماره ۴، ۱۳۸۰  
۵۷- Anomie؛ بی‌هنجاری یا بی‌معیاری یا خلاء هنجاری، مفهومی است که توسط امیل دورکیم در کتاب خودکشی (۱۸۹۷) مطرح شده است که اشاره به وضعیتی دارد که در آن هیچ‌گونه هنجار اجتماعی برای حفظ نظم وجود ندارد یا هنجارها با یکدیگر در تضاد هستند. (دانشنامه جرم‌شناسی، ص ۵۰)

۵۸- ر.ک: رحیمی‌نژاد، اسمعیل، تورم جزایی و پیامدهای آن، نامه مفید، شماره نهم، ۱۳۷۶

۵۹- نجفی‌ابرنادادی، پیشین، صص ۱۲۰-۱۱۹

بنابراین، می‌توان تصور کرد که با به رسمیت شناخته شدن استناد به هنجارهای فرهنگی در کلیه مراحل فرآیند کیفری و با مبنا قراردادن نهادهای ارفاقی پیش‌بینی شده در قانون، مقابله با تورم کیفری و به دنبال آن افزایش جمعیت کیفری، سهل‌تر، آسان‌تر و بسیار کم هزینه‌تر خواهد بود.

### ۳-۲- بر مبنای حقوق طبیعی

در یک تقسیم‌بندی کلی، حق به دو دسته حقوق فطری (طبیعی) و حقوق نظری (موضوعه) تقسیم می‌شود. حقوق موضوعه، مجموعه قواعدی است که از طرف سازمان‌های اجتماعی تضمین می‌شود. ولی حقوق فطری به قواعدی اطلاق می‌گردد که ماورای اراده حکومت‌ها و غایت مطلوب انسان است که قانون‌گذار باید کوشش کند تا آنها را شناسایی و راهنمای خود قرار دهد. از نظر سیسرون<sup>۶۰</sup> (حقوقدان رومی)، قانون ثابتی که ناشی از عقل و فطرت آدمی است، همیشه و همه جا وجود دارد و کسی که از این قانون اطاعت نکند، از خویش می‌گریزد و طبیعت انسان را از نظر دور می‌دارد. نه تنها طبیعت قوانین واقعی را وضع و تحمیل می‌کند، طبیعت هر انسان نیز به گونه‌ای است که قابلیت درک قانون طبیعت و سازگاری با آن را دارد. بنابراین، قوانین وضع شده را تا جایی باید احترام کرد که با قانون طبیعت موافق باشد و گرنه، حکم زور است.<sup>۶۱</sup>

حقوق فطری، چنان با سرنوشت آدمی آمیخته است که هیچ عاملی نمی‌تواند آن را جدا یا به دیگران منتقل سازد. به گفته روسو<sup>۶۲</sup> بشر آزاد به دنیا می‌آید و باید آزاد هم زندگی کند. بی‌گمان، زندگی در اجتماع، آزادی فردی را محدود می‌کند، ولی این محدودیت تا جایی مشروع است که مستند به رضای خود او باشد. به عبارت دیگر، انسان تا جایی می‌تواند از آزادی خود برای شرکت در اجتماع بگذرد که ضرورت‌های زندگی ایجاب نماید. بنابراین، آزادی فردی همیشه به عنوان قاعده کلی محترم است و دولت که نماینده افراد است، تنها به صورت استثنایی و محدود می‌تواند آن را سلب کند. و بهترین وسیله تامین مصلحت جامعه، احترام به آزادی اراده فرد است.

دولت‌ها همیشه در دست اقلیتی است که در چارچوب نظام سیاسی کشور، به حکومت رسیده‌اند. همچنانکه فرد می‌تواند عادل یا ستم‌کار باشد، گروه حاکم نیز ممکن است دادگستری پیشه کند یا در اندیشه زورگویی باشد. به هیچ دولتی (خواه پادشاهی، دموکراتیک، سوسیالیست و...) نمی‌توان چندان اعتماد کرد که بتوان ملت را دست بسته در اختیار او گذاشت. بنابراین، باید اصول مورد احترامی وجود داشته باشد تا در موارد لزوم، جلودار خودکامگی‌ها باشد. بر این اساس، پس از جنگ جهانی دوم، عده‌ای از اندیشمندان به این فکر افتادند که آرمان‌هایی دور از دسترس حکومت‌ها به وجود آورند تا در مواقع بحرانی بتوانند از این خودکامگی‌ها بکاهند و یادآور شخصیت انسان باشد<sup>۶۳</sup> که نتیجه‌ی تلاش آنها برخی اسناد بین‌المللی<sup>۶۴</sup> است. غایت این اسناد و حقوق مصرح در آنها، مبارزه با تجاوز به حقوق طبیعی انسانها می‌باشد.

بر مبنای اصل برساخت‌گرایی حاکم بر آموزه‌های جرم‌شناسی فرهنگی، آنچه به عنوان جرم تعریف می‌شود، بالذات وجود عینی و خارجی ندارد؛ بلکه بازتاب دهنده تعاریف قانونگذار از اعمال و وقایع روزمره و فرهنگی بوده و متغیری وابسته به قوانین مصوب می‌باشد که بالطبع امر نسبی بوده و از جامعه‌ای به جامعه دیگر و در ظرف زمانهای مختلف بسیار تحول‌پذیر است. بنابراین، آنچه وجود دائمی، عینی و حقیقی دارد، همان حقوق طبیعی و فطری انسانهاست که در همه اعصار و دوران، مستقل از

60 - Marcus Tullius Cicero

۶۱- کاتوزیان، ناصر، مقدمه علم حقوق، گنج دانش، چاپ بیست و هشتم، تهران، ۱۴۰۳، ص ۴۱

62 - Jean-Jacques Rousseau

۶۳- ر.ک: کاتوزیان، ناصر، فلسفه حقوق، گنج دانش، چاپ چهارم، تهران، ۱۴۰۳، صص ۹۲-۴۴-۴۶

۶۴ - از جمله اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و...

قوانین موضوعه موجودیت داشته و کم و بیش مورد احترام واقع شده است. بنابراین، بر مبنای حقوق فطری و طبیعی، هر فردی آزاد است و حق دارد که هنجارها و زندگی فردی و فرهنگی خاص خود را داشته باشد که قوانین و مقررات نیز آنها را به رسمیت شناخته و زمینه استناد به آن را در سپهر سیاست جنایی فراهم نماید. به عبارت دیگر، حق متفاوت بودن انسانها در مقابل قوانین (که مفاهیمی متغیر هستند)، باید مورد احترام واقع شود. به عنوان مثال؛ اصل تفسیر به نفع متهم در حقوق کیفری نیز بر این مبنا استوار است که در موارد اجمال یا سکوت قوانین، ضرورت دارد که تفسیر قوانین و در نهایت قضاوت درباره انسانها و افراد درگیر در فرآیند کیفری، باید بر اساس حقوق طبیعی و فطری صورت پذیرد.

### ۳- ضرورت استناد از منظر جرم‌شناختی

دانش جرم‌شناسی، با اساس قرار دادن کرامت انسانی، وظیفه مبارزه با پدیده‌ی مجرمانه را عهده‌دار است. تاثیر آموزه‌های جرم‌شناسی در قوانین شکلی و ماهوی غیرقابل انکار است.<sup>۶۵</sup> جرم‌شناسی بزه را معلول عوامل پیچیده‌ای می‌داند که مجازات هیچ‌گونه تاثیری در جهت خنثی کردن آنها ندارد.<sup>۶۶</sup> از این جهت، بسیاری از تصمیمات قضایی، به لحاظ عدم انطباق با همین پیش زمینه‌ها، از منظر جرم‌شناسی قابل توجیه نمی‌باشد.<sup>۶۷</sup> به عنوان مثال؛ چندی پیش در خبرها آمده بود که فردی به اتهام سرقت چند بسته بادام هندی از فروشگاه، به ۱۰ ماه حبس و ۴۰ ضربه شلاق تعزیری محکوم شده است که با انتقادات فراوانی مواجه گردید. انتقاد به این حکم، نه در راستای کم اهمیت جلوه دادن قبح موضوع جرم سرقت، بلکه از جهت عدم انطباق آن با مقتضیات اقتصادی و فرهنگی جامعه، موجه و وارد می‌باشد. این حکم شاید به استناد موارد قانونی صحیح به نظر برسد و اشکالی به آن وارد نباشد، ولی به هیچ وجه، از دیدگاه جرم‌شناسی فرهنگی، به دلیل عدم انطباق با پیش‌زمینه‌های فرهنگی بزهکاری و شرایط فعلی اقتصادی جامعه، قابل توجیه نیست. بنابراین، فرآیند کیفری، بایستی دارای پیوست فرهنگی و منطبق با آن باشد و قابلیت استناد هنجارهای خرده فرهنگی، به عنوان یک حق طبیعی، به رسمیت شناخته شود.

جرم‌شناسی فرهنگی یکی از پایه‌های تحلیلی خود را در مقوله بزهکاری، به بحث عدم به رسمیت شناخته شدن باورهای فرهنگی برخی از قومیت‌ها و گروه‌های اقلیت در یک جامعه قرار می‌دهد. بر اساس آموزه‌های جرم‌شناسی فرهنگی، جرم یک ساختار تعریف شده‌ی سیاسی است و از سوی دولت مردانی تعریف می‌شود که کنترل یک نظام قضایی را برعهده دارند. در جوامعی که از درگیری‌ها و تعارضات فرهنگی رنج می‌برد، تعریف جرم ممکن است نادرست صورت گرفته و در نتیجه از سوی برخی از گروهها مورد پذیرش قرار نگیرد. چرا که مردم، تعاریف مجرمانه و غیر مجرمانه متفاوتی از تعاریف رسمی دارند. که در نتیجه باعث مقاومت در برابر تعاریف رسمی از جرم خواهد شد. از نظر محققان جرم‌شناسی فرهنگی، تا زمانی که علت ارتکاب جرم از دید فرهنگ به درستی تحلیل نشود، صرف تصویب قوانین سخت‌گیرانه و مقرر ساختن ضمانت اجرای کیفری سنگین، جهت تقلیل نرخ جرایم، کافی نخواهد بود و نظام عدالت جنایی را به سرانجام مطلوب نخواهد رساند

### ۳-۱- حق بر مجازات نشدن

۶۵- ر.ک: شیخ‌الاسلامی، عباس، جایگاه یافته‌های جرم‌شناسی در تحولات نظام تقنینی کیفری ایران، در مجموعه مقالات در تجلیل از استاد دکتر محمد

آشوری، انتشارات سمت، چاپ پنجم، تهران، ۱۳۹۱

۶۶- کی‌نیا، مهدی، مبانی جرم‌شناسی، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ هشتم، تهران، ۱۳۸۶، صص ۳۵-۳۹

۶۷- asriran.com/fa/news/809482

کیفرها برای موجه بودن، فقط باید بابت جرایمی تحمیل شوند که آسیب یا شرارتی جدی را در پی داشته باشند. به همین جهت، نکته‌ی کلیدی یک نظریه‌ی جرم‌انگاری، تعیین زمانی است که دولت اجازه می‌یابد تا به حق مجازات نشدن افراد تجاوز نماید. فلاسفه عقیده دارند که مجازات‌ها معمولاً و نوعاً به طریقی با اشخاص رفتار می‌کنند که مخالف حقوق (طبیعی) آنها است. در واقع، هدف اصلی تنبیه‌های جزایی دولتی، تحمیل بدنامی به مجرم است. بنابراین اشخاصی که توسط دولت بدنام می‌شوند، از حق درخواست توجیه در خصوص نحوه‌ی رفتاری که با آنها صورت گرفته، برخوردار می‌باشند.<sup>۶۸</sup>

در حوزه مبنای توجیهی کیفردهی، می‌توان به روشنی شاهد دو جریان متقابل بود. از یک سو حق بر مجازات کردن،<sup>۶۹</sup> به عنوان حق جامعه و نماینده آن، دولت، و از سوی دیگر، حق بر مجازات نشدن، به عنوان یکی از حقوق بنیادین بشر که صورت‌بندی مجموع حقوق اولیه از جمله آزادی، کرامت، حق حیات و... در عرصه حقوق کیفری است. بررسی تاریخی موضوع نشان می‌دهد که جرم‌انگاری و کیفرگذاری‌های گسترده در پرتو حمایت از حق جامعه بر مجازات کردن، حقوق کیفری را از نقطه تعادل خارج و آن را به استفاده صرف از سازوکارهای کنترلی تقلیل داده است. در حالی که لازم است در کنار استفاده از مجازات به عنوان یک شیوه کنترل (که مبتنی بر حق جامعه است)، بر حقوق بزهکار نیز (به عنوان عضوی دیگر از همان جامعه)، توجه کند. ولی متأسفانه حجم وسیع قوانین کیفری در برخی از کشورها، نشان می‌دهد که نظام‌های حقوقی در حال توسعه با توسل به حق مجازات کردن (به عنوان مبنای توجیه مداخله کیفری) هستند و اصولاً مجازات را نخستین راه حل برای رفع هر مشکل، ولو با خواستگاه اجتماعی و فرهنگی می‌دانند و همواره تلاش شده است از درپچه اهدافی مانند سزادهی، بازدارندگی، اصلاح و درمان و... مداخله کیفری توجیه شود. به عبارت دیگر، اهداف مداخله، جایگزین چرایی مداخله شده است و اصل حق بر مجازات کردن، مفروض پنداشته شده است. در نتیجه به تدریج با مشخص شدن ناتوانی نظریه حق بر مجازات کردن و تزلزل پایه‌های این دیدگاه، حق بر مجازات نشدن، متولد شده است.<sup>۷۰</sup> حقی که ریشه در حقوق فطری و طبیعی دارد و بر مبنای اصل برائت، اصل اباحه و کرامت ذاتی انسان‌ها، قابل توجیه می‌باشد.

جرم‌شناسان زیادی با استناد به تحقیقات خود و سایر شاخه‌های علوم اجتماعی (مانند جامعه‌شناسی و روانشناسی) نشان می‌دهند که مجازات، به خودی خود، ابزار مناسبی برای کنترل رفتار خطاکارانه نیست. به خصوص در مواردی که خود جرم‌انگاری از مبنای توجیهی کافی برخوردار نبوده و محصول فشارهای اجتماعی یا برساخته‌ی نهاد قدرت باشد.<sup>۷۱</sup> از جمله این نظریه‌ها، نظریات جرم‌شناسی انتقادی<sup>۷۲</sup> می‌باشد که یکی از مبنای توجیهی حق بر مجازات نشدن قرار گرفته است. جریان جرم‌شناسی انتقادی، در تعریف جرم، از مرزهای رسمی حقوق جزا فراتر رفته و جرم را فعل یا ترک فعلی تعریف می‌کند که

۶۸. هوساک، داگلاس، جرم‌انگاری افراطی، ترجمه محمدتقی نوری، انتشارات مجد، چاپ اول، تهران، ۱۳۹۰، صص ۱۶۸-۱۵۲

۶۹. به نظر برخی، محور در حقوق کیفری انسان است و دولت‌ها آب جوی روان هستند. می‌آیند و می‌روند و حق مجازات کردن ندارند. بلکه این انسان‌ها هستند که حق مجازات نشدن دارند. (فایل صوتی سخنرانی دکتر علی آزمایش در نشست حق بر مجازات نشدن، مبنای و آثار، دانشگاه علامه طباطبایی، سال ۱۳۹۴)

۷۰. ر.ک: حیدریان دولت‌آبادی، محمدجواد، مظاهری کوهانستانی، رسول، حق بر مجازات نشدن، فصلنامه مطالعات بین‌المللی پلیس، شماره ۳۳، سال ۱۳۹۷

۷۱. طبق قانون جدید مجلس، استفاده از تجهیزات اینترنت ماهواره‌ای (استارلینک) بدون مجوز، جرم است. [asriran.com/fa/news/1073567](http://asriran.com/fa/news/1073567)

۷۲ - مهمترین مکتب‌های فکری جرم‌شناسی انتقادی عبارتند از: جرم‌شناسی فمینیسم، جرم‌شناسی صلح‌جو، واقع‌گرایی چپ، جرم‌شناسی پسامدرن، جرم‌شناسی محکومان، جرم‌شناسی سبز و جرم‌شناسی فرهنگی. ر.ک. دکسردی، والتر اس، جرم‌شناسی انتقادی معاصر، ترجمه مهرداد رایجیان‌اصلی و حمیدرضا دانش‌ناری، نشر دادگستر، چاپ چهارم، تهران، ۱۴۰۲

موجبات نقض حقوق انسانی را که از نظر سیاسی تعریف شده است، فراهم می‌آورد. بدیهی است که با نگاه کلان این چینی نسبت به جرم، صاحبان قدرت و حتی دولت‌ها هم در مواردی می‌توانند بزهکار تلقی شوند.<sup>۷۳</sup>

این نظریه، راهکار اساسی مقابله با بزه و بزهکاری را تقسیم مجدد منابع اجتماعی و اقتصادی، براساس نیازهای مردمان و حکم عدالت می‌داند. از همین روی، به جای ارایه راهکار برای کاهش جرم و انحراف، بیشتر اصلاح قوانین و مقررات و حتی بازنگری در نظم و نظام سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و راهبرد مقابله با انواع بی‌عدالتی‌ها را برای عقب‌راندن موج گونه‌های بزهکاری و انحراف دنبال می‌کنند. از نظر آنها، تا وقتی که دلیل وقوع بسیاری از بزه‌ها در جوامع، فقر فرهنگی، مادی یا هرگونه نابرابری باشد، آیا لزومی به جرم‌انگاری پاره‌ای از رفتارها در شرایط زمانی و مکانی خاص وجود دارد یا خیر؟ در صورت جرم‌انگاری رفتارهای مزبور، آیا مجازات ابرار مناسبی برای پیشگیری از آنها خواهد بود؟ و مهم‌تر اینکه، آیا بزهکار، با لحاظ جمیع شرایط موجود (از قبیل فقر مادی، فرهنگی یا بی‌عدالتی موجود در جامعه که به سبب آنها به ورطه هولناک بزهکاری سقوط کرده است)، به طور واقعی استحقاق دریافت مجازات رسمی دولتی را دارد یا خیر؟ بدیهی پاسخ به این سوالات، در این پارادایم منفی می‌باشد.

بنابراین، جرم‌شناسان منتقد، رفع بی‌عدالتی و نابرابری‌های موجود در جامعه و نیز مطالعه آسیب‌های اجتماعی بزه‌آفرین و لزوم ارایه راهکارهایی برای برون رفت از آن آسیب‌ها را برای کاهش بزه توصیه می‌کند.<sup>۷۴</sup> به عبارت دقیق‌تر، تلاش جرم‌شناسان منتقد، جلوگیری از مواجهه افراد با نظام عدالت کیفری از همان ابتدا می‌باشد و براین اساس، تکیه آنها بیشتر بر فرآیندهای جایگزین و به رسمیت شناخته شدن جریان‌هایی که از قدرت دور نگه داشته شده‌اند، قرار دارد. بنابراین، پیشنهاد شده است، خشونت از حقوق کیفری گرفته شود، شاید فایده‌ای داشته باشد.<sup>۷۵</sup>

### ۲-۳- به رسمیت شناخته شدن زندگی دوم

زندگی دوم،<sup>۷۶</sup> مفهوم ابداعی میخائیل باختین<sup>۷۷</sup> است. در نظر او، همه انسان‌ها دارای دونوع زندگی هستند. زندگی اول، همان دنیایی است که افراد در مکان‌های عمومی از خود نشان می‌دهند. چهره زندگی اول انسان‌ها، منطقی، عقلانی، مهربان و مسوولیت‌پذیر است. در مقابل، زندگی دوم که همان حریم خصوصی می‌باشد، جایی است که بسیاری از تعرض‌ها و تجاوزها رخ می‌دهد و احساسات و عواطف واقعی آدمی خود را در آن بروز می‌دهد. به عبارت دیگر، زندگی دوم جایی است که آزادی و برابری به معنای واقعی کلمه وجود دارد.<sup>۷۸</sup>

مایک پرسدی،<sup>۷۹</sup> از نظریه‌پردازان جرم‌شناسی فرهنگی که مفهوم زندگی دوم یا همان زندگی کارناوالی را وارد حوزه مطالعاتی جرم‌شناسی فرهنگی کرده، معتقد است؛ در این زندگی غیر رسمی است که ما اندیشه‌ها، آرزوها و دغدغه‌های خود را نشان می‌دهیم. در حقیقت وجه بارز انسان‌ها همین زندگی دوم است که در آن عقلانیت قوانین، قدرت خود را از دست می‌دهند. این دنیاست که ما منطقی و ریشه رفتارهای انسانی را در می‌یابیم و بازخورد آن را در قالب رفتارهایی چون تحریک، مخالفت و از

۷۳- از جمله سازمان‌های مردم‌نهادی که در این زمینه فعالیت دارند، می‌توان به سازمان صلح سبز (Greenpeace) و عفو بین‌الملل (Amnesty international) اشاره کرد.

۷۴- ر.ک: حسینی، سیدحمید، محمودی جانکی، فیروز، ارزیابی مبانی نظری حق بر مجازات نشدن در حقوق کیفری، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۱۱۲، سال ۱۳۹۹

۷۵- آزمایش، علی، حق بر مجازات نشدن، مبانی و آثار، سخنرانی در دانشگاه علامه طباطبایی، اسفندماه ۱۳۹۴

76 - Second life of people

77 - Mikhail Mikhailovich Bakhtin

۷۸- رویا، آسیایی، مقدمه در پرسدی، مایک، جرم‌شناسی فرهنگی و کارناوال جرم، ترجمه رویا آسیایی، نشر میزان، چاپ اول، تهران، ۱۳۹۶،

79 - Mike Presdee

بین بردن مشاهده می‌کنیم. جهان دوم، تنها جایی است که برای نهادهای رسمی، دسترسی ناپذیر است و فقط در این بستر است که انسان‌ها خشم، نفرت، غم و اندوه (واقعی) خود را بروز می‌دهند که حتی حاکمیت نیز از این وضعیت افراد نامطلع بوده و قادر به درک و آگاهی کامل آن نیست. چرا که زندگی دوم، انجام امور غیر منطقی و درک‌ناپذیر و غیرجامع را به دست می‌دهد.<sup>۸۰</sup> در اصل، دولت مجاز نیست در زندگی خصوصی افراد و رفتار آنها، مدامی که حقوق دیگران را نقض نمی‌کند، دخالت کنند.<sup>۸۱</sup> به تعبیر پیر الیوت<sup>۸۲</sup> (نخست وزیر پیشین کانادا)؛ دولت‌ها به رختخواب‌های مردم کاری ندارند.<sup>۸۳</sup> در حقیقت، زندگی دوم (که می‌شود حق خلوت نیز به آن اطلاق کرد)، از حقوق ذاتی و طبیعی هر انسانی است که می‌تواند بسیار متفاوت باشد. بنابراین باید مورد احترام قانون و قانون‌گذار قرار گیرد. بر این اساس، بسیاری از جرایم آپارتمانی، می‌تواند با استناد به آن، از فرآیند کیفری خارج بماند.<sup>۸۴</sup> همچنان که در ماده ۱۲ اعلامیه جهانی حقوق بشر، زندگی خصوصی افراد مصون از تعرض انگاشته شده است. در اصول ۲۲، ۲۳ و ۲۵ قانون اساسی ایران نیز، ردپایی از به رسمیت شناخته شده زندگی خصوصی افراد به چشم می‌خورد که بر مبنای آن، حیثیت، جان، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است و تفتیش عقاید ممنوع است.

بنابراین، حقوق جزا نباید در پی تعقیب افراد تا خلوت‌ترین زوایای زندگی‌شان باشد.<sup>۸۵</sup> زیرا در این صورت نه تنها حقوق کیفری در انجام رسالت خویش توفیقی نخواهد داشت، بلکه خود موجب سلب آسایش جامعه خواهد گردید. و هیچ‌کس احساس امنیت نخواهد داشت. زیرا در خلوت‌ترین لحظات زندگی خویش، هر آن، احتمال مداخله‌ی قوای دولتی یا غیردولتی و در نتیجه به هم خوردن آرامش خویش را خواهد داد. بنابراین، ضرورت احترام به حق برخورداری از حریم خصوصی، الزامی بوده و دولت به صورت مطلق از وضع محدودیت‌هایی بر افراد که ضروری نیست، باید منع شود.<sup>۸۶</sup> ضرورت دارد؛ حق متفاوت زیستن شهروندان مورد احترام و تکریم قرار گیرد. چرا که به باور جرم‌شناسان انتقادی (فرهنگی) معیارهایی که هیات حاکمه به عنوان معیارهای جرم‌انگاری معرفی و با توسل به آنها دست به جرم‌انگاری متفاوت زیستن و سلب حق متفاوت بودن می‌زند، نمی‌توانند

۸۰. پرسدی، مایک، جرم‌شناسی فرهنگی و کارناوال جرم، ترجمه رویا آسیایی، نشر میزان، چاپ اول، تهران، ۱۳۹۶، صص ۲۳-۲۲

۸۱. در تاریخ ۱۴۰۰/۷/۲۴؛ در اجرای سیاست‌های کلی جمعیت و خانواده و سیاست‌های کلی برنامه ششم توسعه و همچنین براساس نقشه مهندسی فرهنگی کشور، قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت مورد تصویب قرار گرفت. در این قانون (همانطوری که از عنوان آن پیداست)، هدف از آن، تشویق خانواده‌ها به داشتن فرزندان بیشتر، با اعطای طیف متنوعی از امتیازات مادی و غیرمادی، از قبیل؛ امتیاز واگذاری زمین (ماده ۳ و ۴)، اعطای تسهیلات بانکی (ماده ۹)، امتیاز واگذاری خودرو (ماده ۱۲)، افزایش یارانه نقدی (ماده ۱۳)، مزایای استخدام در ادارات دولتی (ماده ۲۵)، کاهش سنوات بازنشستگی کارکنان دولت (ماده ۱۷)، معافیت مالیاتی (ماده ۱۸)، تسهیلات بیمه‌ای (ماده ۴۳) و... می‌باشد. با این وجود؛ با نگاهی به آمار، تنها با وجود دو سال از تصویب و اجرای قانون مذکور، می‌توان به نوعی شکست آن را پیش‌بینی کرد. در واقع، این قانون، با بی‌اعتنایی مردم مواجه شده است. چرا که بدون مطالعات فرهنگی و بدون نظر گرفتن زیر ساخت‌های اقتصادی و فرهنگ خانوارهای ایرانی تصویب شده است. براساس اعلام دبیر مرکز مطالعات راهبردی جمعیت کشور، رکود کمترین فرزندآوری در سال ۱۴۰۱ (یک سال پس از تصویب قانون) ثبت شد و تعداد موالید به زیر یک میلیون نفر در سال رسید.<sup>۸۱</sup> علاوه بر آن، در سال ۱۴۰۰، تعداد ۵۷۱ هزار و ۹۰۸ واقعه واقع ازدواج ثبت شده است که این رقم در سال ۱۴۰۱، با سیر نزولی، به رقم ۵۲۳ هزار و ۷۸۶ واقعه رسیده است. ebtekarnews.com/10802

82 -Pierre Elliott Trudeau

۸۳. رحیمی‌نژاد، اسمعیل، کرامت انسانی در حقوق کیفری، انتشارات میزان، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۷، ص ۱۰۲

۸۴. از جمله می‌توان به جرایم جنسی مبتنی بر رضایت و استفاده از تجهیزات دریافت از ماهواره اشاره کرد.

۸۵. لایحه قانون برنامه هفتم توسعه، از سوی دولت به مجلس ارسال شده و در مجلس در حال بررسی است. بر مبنای ماده ۷۵ این لایحه (که به نظر می‌رسد برخلاف اصول ۲۳، ۲۴ و... قانون اساسی است)؛ آمده است: به منظور احصاء دقیق و برخط داده‌های آماری مورد نیاز به جهت تسهیل پردازش، تحلیل دقیق و ایجاد بستر مناسب برای آینده‌پژوهی روندهای سبک زندگی جامعه ایرانی و همچنین انتشار آن‌ها، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با هماهنگی مرکز آمار ایران مکلف است نسبت به راه‌اندازی سامانه رصد، پایش و سنجش مستمر شاخص‌های فرهنگ عمومی و سبک زندگی مردم اقدام نماید. دستگاه‌های اجرایی و دارندگان پایگاه‌های داده موضوع این بند، موظفند نسبت به ارائه مستمر و جامع داده‌ها به این سامانه به صورت برخط اقدام کنند. rc.majlis.ir

براین اساس؛ کلیه عملکرد اشخاص و خانوارهای ایرانی در همه پلتفرم‌ها (اعم از خرید و...) مورد رصد قرار خواهد گرفت. به گونه‌ای که از این لایحه، با عنوان "قانون سرک کشیدن به زندگی خصوصی مردم" یاد می‌شود. www.khabaronline.ir/news/ ۱۸۲۱۱۱۱

۸۶. علامه، غلام حیدر، اصول راهبردی حقوق کیفری، انتشارات میزان، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۹، صص ۱۹۲-۱۶۶

معیارهای مطلوب و مطابق میل همگان باشد. زیرا این معیارهای خود ساخته، صرفاً با هدف تامین منافع گروه خاص و تثبیت پایه‌های حکومت گزینش می‌شوند. از نظر آنان، قانونی که تصویب می‌شود، بنابر معیار اصل مصلحت جامعه و یا مصلحت گروه خاص، یک رفتار را جرم‌انگاری می‌کند. از این رو، این قانون به جای شناسایی حق بر متفاوت بودن برای همگان و به جای اینکه در خدمت و حمایت ارزش‌های تمام اقشار باشد، در خدمت گروه‌های خاصی است. از طرف دیگر، بیشتر سبک‌ها و رفتارهایی هم که جرم‌انگاری می‌گردد، علاوه بر اینکه برای خود آن گروه‌ها هنجار محسوب می‌شود، نه ضرری به حقوق دیگران دارد و نه ارزش‌های غالب جامعه را نفی می‌کند، بلکه تنها به این خاطر که این سبک رفتارها از گروه یا طبقه‌ی خاصی از جامعه واقع می‌شود که از نظر فرهنگی، نژادی، اقتصادی و یا اجتماعی با هیات حاکمه هم‌نواپی ندارند،<sup>۸۷</sup> ناهنجار تلقی می‌شوند.

### ۳-۳- پیشگیری اجتماعی از وقوع جرم

به عقیده بکاربا؛ پیشگیری از وقوع جرایم، بهتر از کیفردهی است. بدین‌سان، هدف اصلی هرگونه قانون‌گذاری، باید پیشگیری از وقوع جرم می‌باشد.<sup>۸۸</sup> در حقیقت؛ دولت‌ها، به منظور بقای خود، از دیرباز، از نظام کیفر بهره‌جسته‌اند و بدین‌سان در مقام پیشگیری کیفری از جرم برآمده‌اند و در راهبردهای سیاست جنایی خود، پیشگیری غیرکیفری را نیز مورد توجه قرار داده‌اند که هدف آن، حذف و محدود کردن علل و فرصت‌های جرم می‌شود. این نوع از پیشگیری در یک دسته‌بندی رایج، به پیشگیری اجتماعی که بیشتر با تامین حقوق اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مردم در سطح جامعه محقق می‌شود و پیشگیری وضعی که با رعایت حقوق و آزادی‌های مدنی و سیاسی مردم به اجرا گذاشته می‌شود؛ تقسیم می‌شود.

به طور کلی، پیشگیری اجتماعی<sup>۸۹</sup> اقدامات غیرقهرآمیزی را شامل می‌شود که دارای ماهیت اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی بوده و در نهایت به اجتناب از مداخله نظام کیفری منجر می‌شود. به عبارت دیگر، احترام به حقوق اقتصادی، اجتماعی، و فرهنگی و فراهم کردن زمینه تحقق آن توسط دولت‌ها، دامنه‌ی اشکال بزهکاری را کاهش داده و جامعه را از توسل به اقدامات قهرآمیز

بی‌نیاز می‌کند. در کشورهایی که نسل دوم حقوق بشر<sup>۹۰</sup> که جنبه‌ی جمعی داشته و به دنبال تامین اجتماعی و رفاه همگانی‌اند، رعایت نمی‌شود، بخشی از بزهکاران قربانیان نقض حقوق اساسی خود توسط دولت‌ها هستند.<sup>۹۱</sup>

۸۷. ر.ک: هراتی، جهانبخش، حق بر متفاوت بودن، انتشارات مجد، چاپ اول، تهران، ۱۴۰۰

۸۸. بکاربا، سزار، رساله جرایم و مجازات‌ها، ترجمه محمدعلی اردبیلی، نشر میزان، چاپ ششم، تهران، ۱۳۹۸، ص ۱۳۱

۸۹. پیشگیری اجتماعی مبتنی بر الگوهای فرهنگ و توسعه، شامل پیشگیری‌های سه‌گانه می‌باشد: پیشگیری نخستین؛ عبارت است از، ایمن‌سازی افراد جامعه از بروز زمینه‌های کژروی و بزهکاری که با تدبیرها و برنامه‌های فرهنگی / توسعه‌ای اجرا می‌شود، همانند تصویب و اجرای ۶ قانون توسعه با عنوان برنامه‌های پنج ساله‌ی توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران. پیشگیری دومین؛ عبارت است از، به کارگیری تدبیرهایی برای حمایت از افراد یا گروه‌هایی در معرض خطر. همانند راه‌اندازی مرکز پیشگیری و کنترل خشم که با همکاری اداره کل سلامت شهرداری تهران و وزارت ورزش و جوانان در سال ۱۳۹۳ انجام شد. پیشگیری سومین؛ عبارت است از، به کارگیری تدبیرهایی برای حمایت از افراد یا گروه‌هایی که تدبیرهای پیشگیری دومین برای مصون‌سازی آنها از عامل‌های خطر موثر نیافتاده و اکنون باید با آسیب‌هایشان مبارزه کرد. مانند برنامه‌های بازپروری یا ترک برای مصرف‌کنندگان یا معتادان مواد مخدر (رایجیان اصلی، مهرداد، پیشین، ص ۵۶-۵۵) که در قالب راه‌اندازی مراکزی در اجرای ماده ۱۶ قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر انجام شده است.

۹۰. تقسیمات حقوق بشر به سه نسل، اولین بار در سال ۱۹۷۹ میلادی توسط حقوق‌دانی از کشور چک به نام کارل واساک در مؤسسه بین‌المللی حقوق بشر در استراسبورگ پیشنهاد گردید. نسل اول حقوق بشر، که گاهی اوقات به نام حقوق آبی نیز خوانده می‌شود، در اصل با آزادی و اشتراک در زندگی سیاسی سر و کار دارد. این موارد اساساً ماهیت مدنی و سیاسی دارند، آن‌ها در جهت منفی عمل کرده تا فرد را در مقابل شدت عمل حکومت (یا دولت) محافظت کنند. نسل اول حقوق، در کنار موارد دیگر شامل حق زندگی، مساوات در برابر قانون، آزادی بیان، آزادی دین، حقوق ملکیت، حق دادرسی منصفانه و حقوق رأی. نسل دوم حقوق بشر، مربوط به مساوات بوده و پس از جنگ جهانی دوم آغاز به رسمی شدن میان حکومت‌ها کرد. این حقوق اساساً ماهیت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی دارند و به اعضای مختلف شهروندان شرایط و رفتارهای مساوی را تضمین می‌کنند. حقوق ثانوی شامل حق استخدام با شرایط منصفانه

یکی از راهبردهای مفید در مسیر کنترل نرخ جرایم بر مبنای داده‌های جرم‌شناسی فرهنگی، ممانعت از توسل به حبس‌های کوتاه مدت به عنوان مجازات و جایگزینی آن با انواع جایگزین‌های حبس می‌باشد. ۹۲ به عبارت دیگر، با توجه به دیدگاه برساخت‌گرایی حاکم بر جرم‌شناسی فرهنگی، آنچه در موضوع پیشگیری حایز اهمیت است، همان پیشگیری اولیه و جلوگیری از مواجهه افراد با نظام عدالت کیفری در قالب مفاهیمی همچون قضازدایی و کیفرزدایی می‌باشد که در صورت استنادپذیری هنجارهای فرهنگی، با اجتماعی شدن بزهکار نیز سهل و آسان خواهد بود. در صورت مواجهه بزهکار با نظام عدالت کیفری نیز فرهنگی شدن مجازات، پیشگیری ثانویه را به دنبال خواهد داشت.

## نتیجه‌گیری

جامعه ایران، به لحاظ ویژگی‌های سرزمینی و جغرافیایی، از لحاظ فرهنگی و اجتماعی، جامعه‌ای به شدت متکثر می‌باشد که هر یک از فرهنگ‌ها و خرده‌فرهنگ‌های موجود در آن، مطالبه‌گر حقوق فرهنگی خود در سطوح مختلف جامعه می‌باشند. سیاست جنایی نیز از این قاعده مستثنی نمی‌باشد. در نتیجه، سیاست‌گذاران نباید به این تنوع و تکثر فرهنگی بی‌اعتنا باشند. چرا که در این صورت، با آشفتگی فرهنگی - اجتماعی مواجه خواهیم بود که بخش اعظم تبعات این نابسامانی‌ها، در فرآیند کیفری ظهور و بروز خواهد داشت. در حقیقت، ضرورت دارد که در تمامی مراحل فرآیند کیفری، قابلیت استناد هنجارهای فرهنگی و

---

و مناسب، حقوق دسترسی به غذا، مسکن و مراقبت‌های سلامتی، همچنین امنیت اجتماعی و مزایای بیکاری می‌شود. نسل سوم حقوق بشر، حقوقی‌اند که از شرایط مدنی و اجتماعی فراتر می‌روند و در تعدادی از اسناد بین‌المللی، از جمله اعلامیه ۱۹۷۲ میلادی استکهلم، کنفرانس سازمان ملل در رابطه با گردهمایی محیط‌زیست انسانی سازمان ملل، اعلامیه ۱۹۹۲ میلادی ریو، در مورد محیط‌زیست، توسعه و سایر بخش‌های الهام‌بخش حقوق نرم بیان شده‌اند. تحلیل‌گران متعددی ادعا می‌کنند که نسل چهارم حقوق بشری در حال ظهور است و می‌تواند شامل حقوقی باشد که نمی‌توانند در نسل سوم جا داده شوند، مثل ادعاهای آینده‌نگر نسل اول، دوم حقوق و حقوق جدید خصوصاً در رابطه با توسعه فناوری اطلاعاتی و ارتباطی و فضای سایبر.

۹۱. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، پیشگیری عادلانه از جرم، مجموعه مقالات علوم جنایی، انتشارات سمت، چاپ پنجم، تهران، ۱۳۹۲، صص ۵۷۹-۵۵۹

۹۲. آقایی، سارا، پیشین، ص ۳۱۶

خرده فرهنگی (به عنوان یک حق طبیعی)، مورد پذیرش واقع شود. با توجه به اینکه قابلیت استناد به هنجارهای فرهنگی در فرآیند کیفری، به صورت تلویحی در مواد ۱۸، ۳۸ قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۹۲)، و همچنین ماده ۶۳۰ کتاب پنجم تعزیرات (مصوب ۱۳۷۵) به رسمیت شناخته شده است؛ بنابراین، قابلیت استناد، هم در مجازات‌های تعزیری و هم در حدود قابل تصور و امکان‌پذیر می‌باشد. با مبنا قرار دادن این موضوع، می‌توان از ابزارهای پیش‌بینی شده در قانون (همانند؛ به تعویق انداختن صدور حکم، تعلیق کردن اجرای مجازات، نظام نیمه‌آزادی، آزادی مشروط، نظارت تحت سامانه‌های الکترونیکی، ترک تعقیب، مجازات‌های جایگزین حبس و اقدامات تأمینی و تربیتی) جهت انطباق مجازات‌ها با هنجارهای فرهنگی و خرده فرهنگی مرتکبان جرایم بهره جست.

براین اساس، پیشنهاد می‌شود؛ به منظور فهم و درک بهتر و درست هنجارهای فرهنگی و خرده فرهنگی، زمینه بین رشته‌ای شدن فرآیند کیفری با بهره‌گیری از نظرات متخصصین مردم‌شناسی، جامعه‌شناسی، جرم‌شناسی و روانشناسی فراهم شود. به همین منظور و در راستای به رسمیت شناخته شدن دفاع فرهنگی در فرآیند کیفری، نهادهایی مانند هیأت منصفه (که نماینده واقعی اقلیت مختلف و آیین تمام‌نمای افکار عمومی و عرف جامعه باشد)، به خصوص در جرایم بدون بزه‌دیده، می‌تواند چراغ‌راه نظام عدالت کیفری باشد. با توجه به گستردگی سرزمینی کشور ایران، سیاست جنایی افتراقی، بر مبنای نواحی جغرافیایی نیز در پویایی سیاست جنایی موثر خواهد بود. خواه ناخواه، فرآیند جهانی شدن سبک‌های جدیدی از خرده فرهنگ‌های رفتاری فردی و اجتماعی را به وجود آورده و به جامعه تحمیل کرده است که به منظور اجتناب از تعارضات و تقابلات فرهنگی، ضرورت تمرکززدایی از حوزه مدیریت فرهنگ اجتناب‌ناپذیر می‌نماید. چرا که مداخلات قهرآمیز در این حوزه، همانند تجربیات گذشته (مثل مقابله با استفاده از ماهواره و فیلترینگ شبکه‌های اجتماعی)، با مقاومت شدید عمومی مواجه خواهد شد. به منظور تحقق دادرسی عادلانه و منصفانه، مقابله با تورم قوانین و جمعیت کیفری و بر مبنای احترام به حقوق طبیعی افراد، احترام به حق مجازات نشدن، ضرورت به رسمیت شناخته شدن زندگی دوم (مصونیت از تعرض حریم خصوصی افراد) و پیشگیری اجتماعی از وقوع جرم؛ پذیرش فرهنگی کردن مجازات (به عنوان یک اصل، همانند اصل فردی کردن مجازات) اجتناب‌ناپذیر می‌باشد. با توجه به پیش‌بینی تشکیل پرونده شخصیت برای بزهکاران، می‌شود از این ظرفیت در جهت فرهنگی کردن مجازات، با ضمیمه کردن پیوست فرهنگی به آن بهره جست. همچنین در مرحله صدور کیفر، نظرات متخصصان جامعه‌شناسی (شاخه انحرافات اجتماعی) و روانشناسی، می‌تواند به عنوان نظریه کارشناسی رسمی دادگستری، مورد استناد قرار گیرد. اجرای احکام صادره به صورت مرحله‌ای و پلکانی در نظر گرفته شود و در پایان هر مرحله، با اخذ نظرات کارشناسی مذکور، در خصوص نحوه ادامه اجرای مجازات تصمیم‌گیری شود.

بدیهی است، پذیرش دفاع فرهنگی در کلیه مراحل فرآیند کیفری (از مرحله تقنینی تا مرحله اجرایی)، به معنای نادیده گرفتن واقعیت پدیده مجرمانه و قُبْح‌زدایی از آن نیست. بلکه می‌تواند در چارچوب قوانین و مقررات و با لحاظ مقتضیات زمانی و مکانی و همچنین با مبنا قرار دادن تاسیسات ارفاقی پیش‌بینی شده در قانون (به خصوص در جرایم بدون بزه‌دیده خاص)، منتهی به تقلیل، تخفیف و یا حتی معافیت از مجازات شود و از این رهگذر، کیفری برای مرتکب بار شود که متناسب با وضعیت اجتماعی و فرهنگی وی باشد. در این صورت، ضمن پیشگیری ثانویه از بزهکاری، زمینه بازاجتماعی شده بزهکار نیز سهل و آسان خواهد بود.

در بادی امر، شاید ایده‌های مطرح شده در این نوشتار، آرمانی، کلی و از لحاظ عملی پیچیده به نظر برسد؛ ولی، باید به این حقیقت نیز توجه داشت که تحت تاثیر مطالعات جرم‌شناختی، همیشه تغییرات عمده و اساسی، از بستر همین ایده پردازی‌های به ظاهر غیرعملی به وجود آمده است. بسیاری از تغییرات و تاسیساتی که اکنون وارد قوانین شده است، در گذشته، بسیار دور از

واقعیت به نظر می‌رسیدند. به طوریکه امروزه قانونگذار پذیرفته که حتی در جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور، بخشی از مجازات می‌تواند تعلیق شود. همچنین، با توجه به ملاحظات فرهنگی و مقتضیات زمانی، تغییراتی نیز در خصوص نحوه اجرای مجازات سنگسار مورد پذیرش واقع شده است. امری که در گذشته خیلی دور از ذهن و غیرعملی به نظر می‌رسید.

#### منابع فارسی:

##### کتاب:

- ۱- آقای، سارا، تحلیل جرم در جرم‌شناسی فرهنگی، نشر میزان، چاپ اول، تهران، ۱۳۹۷
- ۲- آسیایی، رویا، درآمدی بر جرم‌شناسی فرهنگی، انتشارات مجد، چاپ اول، تهران، ۱۳۹۶
- ۳- آسیایی، رویا، مقدمه در پرسدی، مایک، جرم‌شناسی فرهنگی و کارناوال جرم، ترجمه رویا آسیایی، میزان، چاپ اول، تهران، ۱۳۹۶
- ۴- آخوندی، محمود، آیین دادرسی کیفری، جلد چهارم، انتشارات اشراق، چاپ اول، قم، ۱۳۷۹
- ۵- بکاریا، سزاز، رساله جرایم و مجازاتها، ترجمه محمدعلی اردبیلی، نشر میزان، چاپ یازدهم، تهران، ۱۴۰۳
- ۶- پرسدی، مایک، جرم‌شناسی فرهنگی و کارناوال جرم، ترجمه‌ی رویا آسیایی، نشر میزان، چاپ اول، تهران، ۱۳۹۶
- ۷- جونز، اندرو، نظریه پردازان بزرگ جهانی شدن، ترجمه مسعود کرباسیان، نشر چشمه، چاپ اول، تهران، ۱۳۹۱

- ۸- دکسردی، والتر اس، جرم‌شناسی انتقادی معاصر، ترجمه مهرداد رایجیان‌اصلی و حمیدرضا دانش‌ناری، نشر دادگستر، چاپ چهارم، تهران، ۱۴۰۲
- ۹- درآمدی بر برنامه‌ریزی راهبردی توسعه فرهنگی، دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی، نشر امید مجد، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۹
- ۱۰- رایجیان‌اصلی، مهرداد، کلیات جرم‌شناسی، انتشارات نگاه معاصر، چاپ دوم، تهران، ۱۴۰۲
- ۱۱- رایجیان‌اصلی، مهرداد، درآمدی بر جرم‌شناسی، انتشارات سمت، چاپ پنجم، تهران، ۱۴۰۳
- ۱۲- ساسن، ساسکیا، جامعه‌شناسی جهانی شدن، ترجمه مسعود کرباسیان، نشر چشمه، چاپ اول، تهران، ۱۳۹۰
- ۱۳- شامبیانی، هوشنگ، حقوق جزای عمومی، ج ۱، انتشارات مجد، چاپ اول، تهران، ۱۴۰۱
- ۱۴- صانعی، پرویز، حقوق و اجتماع، انتشارات طرح‌نو، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۱
- ۱۵- علامه، غلام حیدر، اصول راهبردی حقوق کیفری، انتشارات میزان، چاپ اول، تهران، ۱۳۹۴
- ۱۶- فرانکوآس، کاتجا، جهانی شدن و جرم، انتشارات علمی، چاپ اول، تهران، ۱۳۹۱
- ۱۷- کاتوزیان، ناصر، فلسفه حقوق، گنج دانش، چاپ چهارم، تهران، ۱۴۰۳
- ۱۸- کاتوزیان، ناصر، مقدمه علم حقوق، گنج دانش، چاپ بیست و هشتم، تهران، ۱۴۰۴
- ۱۹- کوین، بروس، مبانی جامعه‌شناسی، ترجمه محسن ثلاثی، انتشارات توتیا، چاپ چهل و پنجم، تهران، ۱۴۰۲
- ۲۰- کی‌نیا، مهدی، مبانی جرم‌شناسی، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ بیستم، تهران، ۱۴۰۳
- ۲۱- گیدنز، آنتونی، ساتن، فلیپ، جامعه‌شناسی، جلد ۱، نشر نی، چاپ هفتم، تهران، ۱۳۹۷
- ۲۲- نجفی‌ابرنادآبادی، علی‌حسین، تقریرات درس جرم‌شناسی،
- ۲۳- نورمحمد، صبری، هیات منصفه، انتشارات میزان، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۴
- ۲۴- وثوقی، علی‌اکبر، نیک‌خلق، علی‌اکبر، مبانی جامعه‌شناسی، انتشارات بهینه، چاپ بیست و پنجم، تهران، ۱۳۹۵
- ۲۵- هوساک، داگلاس، جرم‌انگاری افراطی، ترجمه محمدتقی نوری، انتشارات مجد، چاپ اول، تهران، ۱۳۹۰
- ۲۶- هوفه، اتفرید، درباره‌ی عدالت، ترجمه امیر طبری، نشر اختران، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۳
- ۲۷- هراتی، جهانبخش، حق بر متفاوت بودن، انتشارات مجد، چاپ اول، تهران، ۱۴۰۰

#### مقالات:

- ۱- حبیب‌زاده، محمدجعفر، نجفی‌ابرنادآبادی، علی‌حسین، کلانتری، کیومرث، تورم کیفری، عوامل و پیامدها، نشریه مدرس، دوره ۵، شماره ۴، ۱۳۸۰
- ۲- حسینی، سید حسین و دانش‌ناری، حمیدرضا، قابلیت استناد به هنجارهای فرهنگی در مرحله تعیین کیفر، مطالعات حقوق تطبیقی، دوره ۷، شماره ۲،
- ۳- حیدریان دولت‌آبادی، محمدجواد، مظاهری کوهانستانی، رسول، حق بر مجازات نشدن، فصلنامه مطالعات بین‌المللی پلیس، شماره ۳۳، سال ۱۳۹۷
- ۴- حسینی، سیدحمید، محمودی جانکی، فیروز، ارزیابی مبانی نظری حق بر مجازات نشدن در حقوق کیفری، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۱۱۲، سال ۱۳۹۹
- ۵- رایجیان‌اصلی، مهرداد، تبیین استراتژی عقب‌نشینی یا تحدید دامنه مداخله حقوق جزا، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۴۱، ۱۳۸۱
- ۷- رضایپور قوشچی، محمد، نادری، محمود، جهانی شدن و تکثرگرایی قومی در ایران، فصلنامه مطالعات راهبردی جهان، شماره ۱۷، سال ۱۳۹۳
- ۸- شیخ‌الاسلامی، عباس، جایگاه یافته‌های جرم‌شناسی در تحولات نظام تقنینی کیفری ایران، در مجموعه مقالات در تجلیل از استاد دکتر محمد آشوری، انتشارات سمت، چاپ پنجم، تهران، ۱۳۹۱

#### منابع انگلیسی:

- 1- Dagistanli, Seld, In Defence of Culture? Racialised Sexual Violence and Agency in Legal and Judicial Narratives 4, no 3, October 2015. DOI:10.5204/ijcjsd.v4i3.254
- 2-Ferrell, Jeff, Keith Hayward, Wayne Morrison & Mike Persedee. *Cultural Criminology Unleashed*. Great Britain: GlassHouse Press, 2004.
- 3- Ferrel, Jeff, 2009, cultural criminology, Miller, J Mitchell, 21 century criminology, A Refrence Handbook), Volume 1, SAGE Publication, UK.
- 4- Ferrell, Jeff, Hayward, Keith, Brown, Michelle, Cultural Criminology, Oxford Research Encyclopedia of Criminology and Criminal Justice, Published online: 26 September 2017, doi.org/10.1093/acrefore/9780190264079.013.202
- 5- Ferrell, Jeff, Cultural Criminology, Encyclopedia of Criminology and Criminal Justice pp 904–913, 2018
- 6- Hayward, Keith, Schuilenburg, Marc, To resist = to create? Some thoughts on the concept of resistance in cultural criminology, 2014
- 7- Hayward K, Presdee M (eds) (2010) Framing crime: cultural criminology and the image. Routledge, London
- 8- Ilan, Jonathan, Cultural Criminology: The Time is Now, critical criminology, 27, 5-20, (2019)-
- 9- Ilan, J. Cultural Criminology: The Time is Now. *Crit Crim* 27, 5–20 (2019). <https://doi.org/10.1007/s10612-019-09430-2>
- 10- Mobley, Lillian, American Kaleidoscope: An Intersectional Approach to the Cultural Defense, sity Chicago Law Journal Loyola University Chicago Law Journal 53, no 3, Spring 2022
- 11- Presdee, M. (2003). Cultural criminology and the carnival of crime. London: Routledge. (in English)
- 12- Rigoni, Clara, Crime, Diversity, Culture, and Cultural Defense, Oxford Univercity Press, 2018. <https://doi.org/10.1093/acrefore/9780190264079.013.409>

13- Torry, William, Multicultural jurisprudence and the culture defense, *The Journal of Legal Pluralism and Unofficial Law* 31, no44, (02 Dec 2013): 127-161. <https://doi.org/10.1080/07329113.1999.10756540>